

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

دانشکده علوم انسانی، علوم معارف

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M. A.»

رشته: شناخت اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup>

عنوان:

بررسی نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی، اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

دکتر سید حمید شمع ریزی

استاد مشاور:

دکتر ابوالقاسم عاصی مذهب

نگارش:

رضا همتی

تابستان ۱۳۹۳

تقدیر و تشکر:

شکرتان نثار ایندمنان که توفیق را رفیق را هم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم.  
از جناب آقای دکتر سید حمید شمع ریزی به عنوان استاد راهنما که همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند و با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشید و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند کمال تقدیر و تشکر را دارم.  
از دکتر ابوالقاسم عاصی مذنب که زحمت مشاوره این پروژه را به عهده داشتند صمیمانه سپاسگزارم.

تقدیم به

## عموم علاقه‌مندان و پژوهشگران شناخت اندیشه‌های امام خمینی (ره)

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات تحقیق.....	۲
۱-۱- بیان مسئله.....	۳
۱-۲- ضرورت انجام تحقیق.....	۴
۱-۳- اهداف تحقیق.....	۵
۱-۴- سؤالات تحقیق:.....	۶
۱-۵- فرضیه های تحقیق:.....	۶
۱-۶- پیشینه تحقیق.....	۷
۱-۷- ساختار فصل های تحقیق.....	۹
۱-۸- تعریف اصطلاحات.....	۹
۱-۸-۱- تعریف مشارکت.....	۹
۱-۸-۲- مفهوم اصطلاحی مشارکت.....	۱۰
۱-۸-۳- انواع مشارکت از لحاظ موضوع.....	۱۰
۱-۸-۳-۱- مشارکت اقتصادی.....	۱۰
۱-۸-۳-۲- مشارکت سیاسی.....	۱۱
۱-۸-۳-۳- مشارکت اجتماعی.....	۱۲
۱-۸-۳-۴- مشارکت فرهنگی.....	۱۳
۱-۸-۳-۵- مشارکت روانی.....	۱۳
۱-۸-۴- مشارکت به عنوان وسیله یا هدف.....	۱۳
۱-۸-۵- رابطه مشارکت با توسعه.....	۱۴
۱-۸-۶- مشارکت و جامعه مدنی.....	۱۵
۱-۸-۷- مشارکت و دموکراسی.....	۱۵
۱-۸-۸- مشارکت عمومی.....	۱۶
۱-۸-۸-۱- دیدگاه های نظری درمورد مشارکت عمومی.....	۱۷
۱-۸-۹- کارکردهای مشارکت.....	۱۸
فصل دوم: مبانی مشارکت عمومی در نظام اسلامی از منظر آموزه های دینی.....	۱۹
۱-۲- درآمدی بر مبانی مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام.....	۲۰

۲۰.....	۱-۱-۲- مبانی کلامی مشارکت
۲۲.....	۲-۱-۲- مبانی فقهی مشارکت
۲۵.....	۳-۱-۲- جلوه های مشارکت مردم در نظام اسلامی
۳۰.....	۴-۱-۲- محدوده مشارکت از دیدگاه تفکر اسلامی
۳۴.....	فصل سوم: راهکارهای افزایش مشارکت عمومی و آثار و پیامدهای آن در نظام اسلامی
۳۵.....	۱-۳- راهکارهای افزایش مشارکت عمومی در نظام اسلامی
۳۵.....	۱-۱-۳- افزایش آگاهی فردی و جمعی
۳۶.....	۲-۱-۳- مشارکت ارادی و اختیاری
۳۶.....	۳-۱-۳- تغییر نگرش مردم نسبت به حاکمیت در نظام مردم سالاری دینی
۳۷.....	۴-۱-۳- باور کردن مردم
۳۷.....	۵-۱-۳- بسیج منابع
۳۸.....	۶-۱-۳- محوریت رهبری
۳۸.....	۷-۱-۳- خدمت صادقانه مسئولان به مردم
۳۹.....	۸-۱-۳- تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه اسلامی
۳۹.....	۹-۱-۳- جلوگیری از تسلط گروه های ذی نفوذ
۴۰.....	۱۰-۱-۳- رقابت سیاسی سالم
۴۰.....	۱۱-۱-۳- فقر زدایی
۴۰.....	۱۲-۱-۳- رسانه های جمعی و زمینه سازی آنها
۴۱.....	۲-۳- آثار و پیامدهای مشارکت عمومی در نظام اسلامی
۴۱.....	۱-۲-۳- کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی
۴۳.....	۲-۲-۳- تقویت روحیه تعاون و همکاری
۴۳.....	۳-۲-۳- دشمن ستیزی و دشمن زدایی
۴۴.....	۴-۲-۳- آبادانی و امنیت اجتماعی
۴۴.....	۵-۲-۳- استقلال و عزت اسلامی
	فصل چهارم: مشارکت عمومی در نظام اسلامی با تأکید بر آراء و اندیشه های سیاسی، اجتماعی امام خمینی (ره)
۴۶.....	
۴۷.....	۱-۴- مشارکت سیاسی اجتماعی مردم در نظام اسلامی از منظر امام خمینی (ره)
۴۹.....	۲-۴- دیدگاه امام خمینی (ره)، درباره نقش مردم در حکومت اسلامی

۵۰	۴-۲-۱- نقش مردم در تعیین سرنوشت کشور.....
۵۰	۴-۲-۲- نقش و دخالت مسئولان مردم در اداره کشور.....
۵۰	۴-۲-۳- نقش نظارتی مردم در نظام اسلامی.....
۵۱	۴-۲-۴- نقش مردم در حمایت و پشتیبانی از حکومت.....
۵۱	۴-۳- درآمدی بر مبنای مشارکت عمومی در اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره).....
۵۳	۴-۴- منشاء مشروعیت برای حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره).....
۵۴	۴-۵- مشارکت عمومی شرط ترمیم خرابی ها.....
۵۵	۴-۶- نقش مشارکت عمومی، درختی سازی توطئه های دشمنان و حفظ نظام اسلامی.....
۵۶	۴-۷- تأثیر مشارکت عمومی در افزایش قدرت سیاسی مسلمین جهان.....
۵۸	۴-۸- جایگاه مشارکت عمومی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۵۸	۴-۹- توصیه های راهبردی امام خمینی (ره)، پیرامون عوامل بستر ساز مشارکت عمومی.....
۵۸	۴-۹-۱- حفظ ارزش های اسلامی و معنوی.....
۵۹	۴-۹-۲- حضور دائم مردم در صحنه.....
۶۰	۴-۹-۳- وفاداری متقابل ملت و مسئولان.....
۶۰	۴-۱۰-۱- موانع مشارکت عمومی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.....
۶۱	۴-۱۰-۱-۱- توطئه دشمنان.....
۶۱	۴-۱۰-۲- تشویش اذهان ملت.....
۶۲	۴-۱۰-۳- هواهای نفسانی.....
۶۲	۴-۱۰-۴- اظهارات نسنجیده برخی نخبگان.....
۶۳	۴-۱۰-۵- گروه گرایی.....
۶۳	۴-۱۰-۶- پایین بودن سطح آگاهی های عمومی شهروندان.....
۶۵	فصل پنجم: نتیجه گیری، جمع بندی و پیشنهاد ها.....
۶۷	۵-۱- نتایج و یافته های پژوهش.....
۷۰	۵-۲- پیشنهادها.....
۷۱	منابع.....

## چکیدہ

مشارکت عمومی از جایگاه مهمی در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی برخوردار بوده و در نظام مردم سالاری دینی، از مهم ترین عوامل کارآمدی و تثبیت جامعه اسلامی محسوب می گردد. این موضوع از جایگاه ممتازی در تفکر و اندیشه سیاسی اسلام برخوردار بوده، به گونه ای که در آیات قرآنی و حیات فکری، سیاسی و اجتماعی اهل بیت (علیهم السّلام)، به عنوان عاملی کلیدی در رسیدن به آرمان های وحیانی و حفظ اسلام اصیل و جلوگیری از تفرقه در امت اسلامی معرفی شده است. بر این اساس مشارکت عمومی، در اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک مسئله تعیین کننده در رسیدن مسلمانان به سیادت و حفظ حقیقت اسلام ناب و اتحاد مسلمین با عنایتی خاص مدنظر قرار گرفته است. به شکلی که امام خمینی (ره) از همان ابتدای مبارزات سیاسی و هم در جریان شکل گیری نهضت اسلامی و هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در تمامی شئونات اداره حکومت جمهوری اسلامی ایران به نقش بی بدیل مشارکت عمومی و پشتوانه مردمی نظام اسلامی در تمامی عرصه ها تأکید داشته و اهمیت خاصی برای آن قائل بودند و در بسیاری از بیانات و مصاحبه ها و آثار مکتوب خویش به این موضوع تأکید نموده اند. ایشان با توجه به اهمیت و نقش مشارکت عمومی، در خشتی سازی توطئه های دشمنان و تهدیدات منطقه ای و بین المللی آنان علیه جوامع اسلامی، رعایت انسجام اسلامی و مشارکت عمومی را تکلیف شرعی مسلمین دانسته و حتی تحقق نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران را، به عنوان حکومتی مطلوب و شایسته، حاصل همین انسجام و مشارکت عمومی می دانند. در واقع، به تعبیر حضرت امام (ره)، وحدت برای حفظ نظام اسلامی لازم و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است. لذا امام خمینی (ره)، تفرقه را در تمامی سطوح آن، از مهم ترین مشکلات جهان اسلام می دانند. ایشان، تفرقه میان دولت های اسلامی را عاملی مهم در نابسامانی جهان اسلام ذکر می کنند. در نگاه امام خمینی (ره)، مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام انحصار به گروه، طبقه، جناح یا صنف خاصی ندارد، جنسیت نمی شناسد و قومیت را مورد توجه قرار نمی دهد و به دین و نوع نگرش انسان ها نیز کاری ندارد؛ بلکه از نظر ایشان، همه مردم و طبقات جوامع اسلامی حق مشارکت در همه امور سیاسی و اجتماعی خویش را خواهند داشت و در برابر چنین حقی، آن ها مکلف خواهند بود. ایشان در بیانی دیگر، از بین سه عامل اساسی که در پیروزی انقلاب و غلبه بر طاغوت نقش داشته است، یکی را مشارکت عمومی می دانند و آن را در کنار ایمان و اعتقاد به خدا و وحدت کلمه قرار می دهند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، نظام اسلامی از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی برخوردار است و مقبولیت مردمی نظام اسلامی از مشارکت عمومی اقشار و طبقات سیاسی اجتماعی در تمامی شئون جامعه اسلامی ناشی می گردد.

کلیدواژه: امام خمینی(ره)، مشارکت عمومی ، جامعه اسلامی ، مقبولیت مردمی



# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- بیان مسئله

مشارکت عمومی در شکل‌گیری هر نظام سیاسی و اداره‌آن امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و اساساً بدون مشارکت عمومی و مردمی، امکان توسعه، رشد و تعالی یک کشور امکان‌پذیر نیست. از بعد اجتماعی نیز وحدت و همبستگی عمومی نقش به‌سزایی در تثبیت هر نظام اجتماعی دارد، چرا که جوامع بشری تنها در سایه همبستگی اجتماعی است که می‌توانند به روابط و تعاملات روزمره زندگی خویش بپردازند، زبان یکدیگر را درک کنند، واکنش‌های دیگران را پیش‌بینی نمایند و برای آینده زندگی خود برنامه داشته باشند. از این رو، می‌توان گفت به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و مشارکت عمومی و علاقه‌مندی ملّتی در مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر یک نظام، یعنی توسعه پایدار، مشابه و همگرایانه باشد، چنین ملّتی به راحتی و سریع‌تر از حد انتظار به اهداف و آرمان‌های متعالی و چشم‌اندازهای بلندمدت ترسیم شده از سوی رهبران خود خواهند رسید. ملّتی که دارای همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است و از وحدت، یکدلی، یک‌رنگی و همدلی بهره می‌برد، به راحتی با مشارکت عمومی شهروندان خویش به تحقق اهداف متعالی نظام خویش دست خواهد یافت. (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴، مجله حصون).

لذا از بُعد سیاسی همبستگی، اتحاد و وحدت ملّی و مشارکت عمومی نقش بسزایی در تثبیت هر نظام سیاسی دارد. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، «همبستگی و اتحاد ملّت، مشارکت عمومی و اعتصام به ایمان الهی مهم‌ترین سلاح‌های ملّت ایران برای خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمن هستند». (انصاری، ۱۳۸۶، فصلنامه حضور).

مشارکت عمومی، آن‌گاه که آگاهانه و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست به جریان افتد، شکل اجتماعی به خود گرفته و همبستگی ملّی و انسجام اجتماعی را تقویت خواهد کرد. این مهم موجب تقویت بیش از پیش رضایت و اعتماد عمومی شهروندان نسبت به حاکمیت سیاسی خواهد بود. مشارکت عمومی، عمل و پای‌بندی شهروندان به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و قوانین و مقررات عمومی را تقویت می‌کند و موجبات مسئولیت‌پذیری آنان را فراهم می‌آورد.

روشن است ملّتی واحد، منسجم و یکپارچه که با همبستگی ملّی و مشارکت عمومی در بازسازی و تحقق اهداف و آرمان‌های ملّی خویش در تلاش‌اند، توطئه‌ها و تبلیغات روانی دشمنان و معاندان حاکمیت ملّی و دین را در ناکارآمد جلوه دادن نظام و در رفع و حل مشکلات اجتماعی و مطالبات عمومی ناکام خواهند گذارد. بی‌تردید همبستگی ملّی و مشارکت عمومی همچون بنیانی مرصوص خواهد بود تا مردم و دولتمردان با همدلی، یکدلی، وحدت و یکپارچگی در تحقق اهداف و آرمان‌های ملّی خویش بکوشند. (احمدی، ۱۳۷۸).

در این پژوهش سعی شده است، در ابتدا به تشریح مفهوم لغوی واصطلاحی مشارکت عمومی و سطوح آن پرداخته و سپس جایگاه این مقوله را در نظام سیاسی اجتماعی اسلام و از منظر آموزه های دینی (قرآن و روایات) و تفکرات اسلامی مورد بررسی قرار داده و در ادامه به بیان دیدگاههای صاحب نظران مسائل اجتماعی و سیاسی در این زمینه پرداخته شود.

لذا با توجه به انسجام و روح حاکم بر اندیشه های سیاسی واجتماعی امام خمینی (ره)، و اهتمام بسیار زیاد ایشان از همان ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و هم در طول سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نقش کلیدی مشارکت عمومی در تصمیم گیری های مهم اجتماعی و سیاسی در جریان اداره کشور، توجه به نقش و اهمیت مشارکت عمومی و نقش مردم در نظام سیاسی اجتماعی اسلام از منظر اندیشه های سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، از جمله مسائل مهمی است که در این پژوهش از جنبه های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱-۲- ضرورت انجام تحقیق

یکی از مهمترین ارکان جامعه مدنی، جمهوریت است. یعنی آنچه که امروز بنام حکومت مردم بر مردم عنوان می شود. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مشارکت پذیری و توجه به توده های مردم به عنوان یک اصل استراتژیک که کارایی حکومت و مقبولیت آن را تضمین می کند در دوران مبارزه با استبداد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح بوده است. کارایی نظام و مشروعیت ارکان آن را در گرو آراء مردم می دانند و این معنی در واقع عالی ترین شکل بکارگیری مردم و دخالت دادن آنها در سرنوشت خویش و جامعه می باشد.

توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که موجب تقویت و رشد خود آگاهی، مسئولیت پذیری و نظارت همگانی می شود در تعالیم امام خمینی (ره) مورد توجه واقع شده است. و بر اساس همین تعالیم، انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت مردم و بدون کمک به عوامل خارجی با رژیم سلطنتی و استبدادی که به شدت از حمایت غرب برخوردار بود پیروز شد. البته نگرش امام خمینی (ره) به مردم بر خلاف دیدگاههای رایج در مکاتب سیاسی معاصر، نگاه صرفاً ابزاری نیست، بلکه مردم و آراء آنها در تعیین نوع حکومت و شیوه اداره جامعه دارای اصالت هستند. و البته چنین مردمی شایسته احترام هستند.

توجه امام خمینی (ره) به نقش مردم در تعیین سرنوشت خود در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملموس تر می شود. برگزاری دهها انتخابات آزاد که با فاصله کمتر از سه ماه از پیروزی انقلاب اسلامی و برای تعیین نوع رژیم مورد نظر مردم آغاز شد. تاکنون از یکسو، و مکانیسم مراجعه به آراء مردم از پائین ترین لایه های تصمیم گیری تعیین شوراهای محلی تا گزینش عالیتین مرجع تصمیم گیری یعنی

رهبری که در قانون اساسی منظور شده، معرف دیدگاه امام خمینی (ره) به رکن جمهوریت و مشارکت عمومی در نظام سیاسی کشور است.

در نظر امام خمینی (ره)، مردم همواره امین نظام و دولت هستند پس باید در جریان وقایع کشور بطور شفاف قرار گیرند تا بتوانند تصمیمات صحیح بگیرند. زیرا افکار عمومی و اجماع آراء مردم به شرطی که در جریان صحیح امور قرار گیرند می توانند پشتوانه قوی برای حکومت باشند. لذا پرداختن به اندیشه های ارزشمند امام خمینی (ره) که از مکتب بزرگ اسلام ناب محمدی (ص) سرچشمه گرفته و در زندگی و رشد همه جانبه جامعه کنونی ما تأثیر چشمگیری داشته است، از جمله امور مهمی است که توجه به آن در عصر حاضر، مخصوصاً از ناحیه نسل جوان و عموم پژوهشگران، آحاد جامعه و کارگزاران نظام اسلامی بیش از پیش احساس می گردد.

شخصیت بی نظیری که با رهبری های پیامبرگونه خویش و با پشتیبانی و همراهی مردم غیور ایران موفق گردید انقلابی صد در صد مردمی و مبتنی بر اصول اسلام ناب، پی ریزی نماید. با توجه به اهمیت موضوع نقش مشارکت عمومی و همبستگی ملی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام و جایگاه ویژه آن در اندیشه های متعالی امام خمینی (ره)، پرداختن به این موضوع از جمله ضرورت های مهم این پژوهش به شمار می آید. تا جایگاه مهم و کلیدی مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام و اندیشه های سیاسی اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) و امتیازات برجسته آن در مقایسه با دیدگاه های سایر صاحب نظران مسائل سیاسی اجتماعی و اشکال نظام های سیاسی دیگر آشکار گردد.

پرداختن به مبانی نظری امام خمینی (ره) و دلایل تأکید معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران بر نقش مهم و کلیدی مشارکت عمومی در نظام اسلامی و دفاع ایشان از جمهوری اسلامی از دیگر ضرورت های این پژوهش به شمار می آید.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

**هدف کلی:** بررسی نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی (ره) لذا با توجه به محوریت هدف کلی یادشده، سعی شده است روند پژوهش و سیر مراحل تحقیق به گونه ای باشد که در نهایت دستیابی به اهداف مشروحه ذیل محقق گردد:

۱- دستیابی به مبانی نظری موضوع مشارکت به طور اعم و مشارکت عمومی به طور اخص در نظام های سیاسی اجتماعی.

۲- پی بردن به جایگاه مشارکت عمومی در نظام اسلامی از منظر آموزه های دینی.

- ۳- آشکار ساختن زوایای مشارکت عمومی به عنوان اساسی ترین نماد دموکراسی در تثبیت و تقویت مشروعیت نظام اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره).
- ۴- توجه دادن همگان به نقش مهم مشارکت عمومی در خشتی سازی تهدیدات منطقه ای و بین المللی علیه نظام اسلامی از منظر اندیشه های سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره).
- ۵- مقایسه دیدگاه های حضرت امام خمینی (ره) با سایر صاحب نظران مسائل سیاسی اجتماعی در موضوع نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام و بیان امتیازات ویژه دیدگاه های ایشان در این زمینه.

#### ۱-۴- سؤالات تحقیق:

الف: سؤال اصلی:

مشارکت عمومی در نظام سیاسی، اجتماعی اسلام، از منظر امام خمینی (ره)، از چه جایگاهی برخوردار است؟

ب: سؤالات فرعی:

- ۱- مبانی مشارکت عمومی در نظام اسلامی، از منظر آموزه های دینی چیست؟
- ۲- راهکارهای افزایش مشارکت عمومی و آثار و پیامدهای آن در نظام اسلامی چیست؟
- ۳- دیدگاه امام خمینی (ره)، درباره نقش مردم در حکومت اسلامی، چگونه است؟
- ۴- موانع مشارکت عمومی از منظر امام خمینی (ره) چیست؟
- ۵- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مشارکت عمومی، چه تفاوتی با دیدگاه سایر صاحب نظران دارد؟

#### ۱-۵- فرضیه های تحقیق:

الف: فرضیه اصلی:

باتوجه به مبانی فکری امام خمینی (ره)، مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام از دیدگاه ایشان، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از جنبه های مختلف قابل بررسی است.

ب: فرضیه های فرعی:

- ۱- مشارکت عمومی در نظام اسلامی از مبانی بسیار مهمی در آموزه های دینی و قرآنی برخوردار است.
- ۲- راهکارهای افزایش مشارکت عمومی در نظام اسلامی عبارتند از: افزایش آگاهی فردی و جمعی، مشارکت ارادی و اختیاری، تغییر نگرش مردم نسبت به حاکمیت در نظام مردم سالاری دینی، باور کردن مردم، بسیج منابع، محوریت رهبری، خدمت صادقانه مسئولان به مردم، تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه اسلامی، جلوگیری از تسلط گروه های ذی نفوذ، رقابت سیاسی سالم، فقرزدایی، رسانه های جمعی و زمینه سازی آن ها. و آثار و پیامدهای مشارکت عمومی در نظام اسلامی می تواند به موارد: کارآمدی و تثبیت

نظام سیاسی، تقویت روحیه تعاون و همکاری، دشمن ستیزی و دشمن زدایی، آبادانی و امنیت اجتماعی، استقلال و عزت اسلامی اشاره کرد.

۳- باتوجه به جامعیت و انسجام اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره) بادیگرابعاداندیشه ایشان، امام خمینی (ره)، همواره به نقش کلیدی مردم در نظام اسلامی توجه داشته و برای حکومت اسلامی هم مشروعیت الهی و هم مقبولیت مردمی قائل بودند.

۴- از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، موانع مشارکت عمومی، در نظام سیاسی، اجتماعی اسلام عبارتند از: توطئه دشمنان، تشویش اذهان ملت، هواهای نفسانی، اظهارات نسنجیده برخی نخبگان، گروه گرایی و پابین بودن سطح آگاهی های عمومی شهروندان.

۵- تفاوت دیدگاه امام خمینی (ره) در موضوع نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام، با نظرات سایر صاحب نظران مسائل سیاسی اجتماعی، به تفاوت نوع نگرش امام خمینی (ره) نسبت به مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام، برمی گردد، زیرا حضرت امام (ره)، در حوزه مشارکت عمومی، نقش مشارکت کنندگان را بسیار مهم تر از موضوع مشارکت می دانستند. ولی از دیدگاه، سایر صاحب نظران، مخصوصاً دموکراسی خواهان غربی، موضوع مشارکت بسیار جدی تر از خود مشارکت کنندگان است.

## ۱-۶- پیشینه تحقیق

اگرچه در زمینه نقش مشارکت عمومی در شکل گیری نظام های حکومتی و نیز اهمیت این مشارکت در نظام سیاسی اجتماعی اسلام، آثار مکتوب فراوانی نگاشته شده، و یا به این موضوع در قالب مقالات علمی پرداخته شده است. و در قالب آثار مکتوب سیاسی نیز ضمن پرداختن به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به نقش مشارکت عمومی و مقبولیت مردمی نظام اسلامی در کنار مشروعیت الهی حکومت اسلامی اشاره شده است. لذا تحقیق مستقلی با عنوان نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام با محوریت دیدگاه امام خمینی (ره) صورت نگرفته است، در این جا به ذکر چند نمونه از آثار مشابه با موضوع می پردازیم:

۱. کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تألیف یحیی فوزی در فصل سوم با موضوع مباحث مهم اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به مبانی نظری ایشان در دفاع از مشارکت عمومی و نقش مردم در حکومت اسلامی اشاره داشته، به طوری که از نظر امام خمینی (ره) بدون مشارکت و همراهی مردم امکان تحقق و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد.

۲. کتاب گذری براندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تألیف حجّت الله صادقی در فصل سوّم درکنار مشروعیت الهی به مشروعیت مردمی یا قرارداد اجتماعی به عنوان ملاک های مشروعیت حکومت اسلامی اشاره داشته است .

۳. کتاب مشارکت اجتماعی تألیف جواد نگارنده به موضوع فرایند مشارکت سیاسی ،اجتماعی و تأثیر آن برامنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته و حضور قابل توجه مردم درعرصه مشارکت حداکثری را موجبات تقویت سرمایه اجتماعی نظام به عنوان اصول بنیادین امنیت اجتماعی برمی شمرد .

۴. کتاب مردم سالاری درنهج البلاغه با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) نوشته احمد اسلامی به نقش مردم درماندگاری نظام پرداخته و دیدگاه امام خمینی (ره) مبنی بر این که بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان پیروزی است و دورکن اصلی رمز پیروزی ، یکی اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصدمی باشد، را بیان می کند .

۵. کتاب انقلاب اسلامی ، زمینه ها و پیامدها تألیف دکترمنوچهرمحمّدی به موضوعات قدرت اجتماعی و مشارکت مردمی درکنارعوامل رهبری و ایدئولوژی اسلامی به عنوان عوامل پیروزی انقلاب اسلامی می پردازد.

۶. کتاب ولایت فقیه ، ولایت ، فقاہت وعدالت تألیف عبدالله جوادی آملی ضمن اشاره به نقش مردم درحکومت اسلامی وجایگاه اکثریت درنظام اسلامی ومردمی بودن نهضت امام خمینی (ره) به تبیین نقش وجایگاه قانون اساسی ، جامعه مدنی ودموکراسی درنظام جمهوری اسلامی ایران می پردازد .

۷. کتاب همبستگی ملی درایران ، تألیف داریوش قمری به نشان دادن جایگاه واهمیت همبستگی ملی درایجاد هویت واقتدارملی می پردازد . ودربردارنده ده مقاله درزمینه گفت وگوی قومی وهمبستگی ملی وگفت و گوی بین فرهنگی وانسجام ملی می باشد .

۸. کتاب همبستگی ملی و مشارکت عمومی درایران تألیف فرج الله میرعرب به مناسبت سال ۱۳۸۴ که ازسوی رهبرمعظم انقلاب به نام سال مشارکت عمومی و همبستگی ملی نامگذاری شده است ، منتشرشده است و ضمن تشریح پیام نوروی سال ۸۴ ایشان به آثار وپیامدهای همبستگی ملی ازقبیل : کارآمدی وتثبیت نظام سیاسی ، دشمن ستیزی ودشمن زدایی ، آبادانی و امنیت اجتماعی ، استقلال وعزت اسلامی وتقویت روحیه تعاون و همکاری می پردازد.

۹. آقای سیدعلیرضا حسینی بهشتی درمقاله ای با عنوان : « نقش اعتماد سازی درافزایش مشارکت عمومی ازدیدگاه امام خمینی (ره) » به بیان ایده ی اساسی امام خمینی (ره) دررابطه با لزوم ارتقاء سطح اعتماد اجتماعی ومشارکت جویی به مثابه ی رویکردی مهم در سیاست وزی درایران می پردازد .

## ۷-۱- ساختار فصل های تحقیق

باتوجه به جایگاه بسیارمهم موضوع مشارکت عمومی درشریعت اسلام وتفکر دینی، ارائه بهترین معیارها و محورها درجهت وفاق اجتماعی و مشارکت عمومی، اهمیت به اصل دین و ارزش های دینی به عنوان مهم ترین محوره مبستگی در اسلام و اهتمام به مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی حاکمیت در جوامع اسلامی ازدیدگاه امام خمینی(ره)، وتوصیه مکرر امت اسلامی به مشارکت عمومی، اجتناب از تفرقه وتوجه دادن آنها به گرفتاری های ناشی از اختلاف وتفرقه، که هم در آیات متعددی از قرآن کریم، سیره عملی اهل بیت (ع)، ونیز دیدگاه امام خمینی(ره)، مورد توجه جدی قرار گرفته است. به منظور بررسی نقش مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی(ره) به عنوان هدف اصلی، این پژوهش در چهار فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول به بیان کلیات ومبانی نظری مرتبط باموضوع پرداخته شده است. فصل دوم، مبانی مشارکت عمومی در نظام اسلامی از منظر آموزه های دینی رامورد بررسی قرار می دهد. و در فصل سوم، راهکارهای افزایش مشارکت عمومی وآثار و پیامدهای آن در نظام اسلامی مورد توجه قرار می گیرد. فصل چهارم، به طور ویژه مشارکت عمومی در نظام اسلامی باتأکید بر آراء و اندیشه های سیاسی اجتماعی امام خمینی(ره) رامورد بررسی قرار داده و در فصل پنجم ضمن بحث ونتیجه گیری، مهمترین یافته ها و پیشنهادات مرتبط با موضوع پژوهش نیز بیان شده است.

## ۸-۱- تعریف اصطلاحات

باتوجه به جایگاه مهم مشارکت عمومی در مطالعات اجتماعی ولزوم آشنایی بامبانی نظری موضوع، در این زمینه به بررسی تعاریف ومفاهیم مرتبط با حوزه مشارکت عمومی پرداخته می شود:

### ۱-۸-۱- تعریف مشارکت

دهخدا، مشارکت را به معنای شراکت و انبازی، همکاری داشتن و بهره برداری تعریف کرده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۴۶). تعریف دیگر مشارکت عبارت است از: فعالیت های ارادی و داوطلبانه که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محله، شهروبه طور کلی جامعه خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می شوند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۲). برخی از صاحب نظران در تعریف و تحلیل مشارکت، از توسعه ملی فراتر رفته و نگرشی کلان بدان داشته اند. آنان مشارکت را به معنی «شرکت فعال انسان ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات دانسته اند». (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۵۲۱).



درفر هنگ فارسی معین مشارکت به معنی شرکت کردن و انبازی کردن . یعنی شریک شدن یک فرد در سرمایه یا امور مربوط به یک فرد دیگر بیان گردیده است . (معین ، ۱۳۸۸، ص ۹۴۳).

#### ۱-۸-۲- مفهوم اصطلاحی مشارکت

مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. (محسنی و جارااللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). مشارکت، عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد. علاوه بر این مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی‌شوند و جنبش‌هایی که زندگی خصوصی را متأثر می‌سازد ولی به‌طور مستقیم با اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را دربر می‌گیرد.

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فرایندی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. (جباری، ۱۳۷۸، ص ۸-۷).

#### ۱-۸-۳- انواع مشارکت از لحاظ موضوع

به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ... تقسیم‌بندی می‌کنند. اما باید توجه داشت که تفکیک دقیق آن‌ها به دلیل درهم‌تنیدگی، هم‌پوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن امکان‌پذیر نیست و معمولاً یا به صورت عام از مشارکت بحث می‌شود و یا به صورت ترکیبی، مانند: مشارکت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی.

#### ۱-۸-۳-۱- مشارکت اقتصادی

در واقع «مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند.» (غفاری، ۱۳۸۰، پایان نامه دکتری). مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها، سازمان‌یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی‌اند. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در کل می‌توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است.

### ۱-۸-۳-۲- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از: «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت».

آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به‌طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیرگذار است گرفته می‌شود. (تاج‌زینی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

دایرةالمعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای دانسته است که اعضای یک جامعه برای انتخاب حکام به گونه‌ی مستقیم یا غیر مستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند. نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در فرایندهای سیاسی که به‌گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند. (پویان، ۱۳۶۷، ص ۲۸۶).

گولیموفر و نیز می‌نویسد: دموکراسی فقط همین اصل تعیین وکیل از طریق انتخابات است که بر جامعه به منظور حل مسائل حاکمیت، پیاده می‌شود. رعایای حاکمیت با هم تفاهم می‌کنند تا شماری چند از افراد خبره و آگاه را برگزینند و اینان منافع عمومی را اداره خواهند کرد. (آگاهی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۴).

با مذاقه‌ای نه چندان عمیق در تعاریف مذکور و همچنین تفاسیری که افرادی مانند موریس دوورژه، مایکل راش، آنتونی گیدنز، آلن دوبونا و سایر نظریه‌پردازان دموکراسی داشته‌اند می‌توان به این نکته پی‌برد که اصولاً در منظر دموکراسی خواهان غربی، موضوع مشارکت بسیار جدی‌تر از خود مشارکت‌کنندگان است. یعنی گزینش رهبران سیاسی، حل مسائل حاکمیت و تکوین سیاست‌های عمومی موضوعیت بیشتری نسبت به مردمی که قرار است حاکم باشند، دارد. در این منظر مشارکت‌کنندگان حکم توده را دارند. توده‌های ناآگاهی که باید به ناچار حصارهای الیتسم را بپذیرند در حالی که به هیچ وجه ملاک‌های نخبگی نیز مشخص نیست.

ژان پل سارتر در مورد انتخابات به عنوان یکی از بارزترین مظاهر مشارکت سیاسی چنین می گوید: «یک نظام انتخاباتی - به هر صورتی که باشد - عبارت است از مجموعه افراد انتخاب کننده ای که مثل یک خمیر بی شکل در معرض فشار عوامل خارجی قرار دارند. فهرست اسامی انتخاب شدگان به همان اندازه معرف اراده ملت است که انگار فهرست صفحات موسیقی فروش رفته، نمودار ذوق و سلیقه خریداران می باشد.» (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۵۹).

آن چه امروز در جوامع به اصطلاح دموکراتیک غربی به نام مشارکت سیاسی اتفاق می افتد، مؤید همین مطلب است. در اکثر اوقات نقش مردم در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های عمومی در حاشیه قرار می گیرد.

تئوری دموکراتیک نوین نسبت به تئوریهای پیشین بسیار صریح تر و پخته تر است. در این تئوری صاحبان نفوذ مسئول تصمیم گیری برای سایر مردم هستند و وظیفه دارند توده های ناآگاه را کنترل کنند. بر اساس این تئوری نوین، توده های ناآگاه تنها می توانند تماشاچی باشند و حق دخالت در سیاست را نخواهند داشت و اینکه صاحبان نفوذ هر از گاهی در انظار عمومی ظاهر می شوند و تصمیم خود را که در جایی دیگر قطعی شده است به تأیید و تصویب ظاهری مردم می رسانند و یا انتخابات های دروغین برپا می نمایند که در آنها تنها برگزیدگان طبقه ممتاز جامعه حق انتخاب شدن دارند صرفاً "راهی برای کسب مشروعیت و استمرار حکومت بر توده های ناآگاه است." (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۵۱).

### ۱-۳-۳-۸- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه، باشگاه ها، اتحادیه ها و گروه هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند، که در قالب سیاست های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می دانند. (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

انجمن های داوطلبانه مهم ترین عرصه شکل گیری و ساماندهی فعالیتهای مشارکتی در جامعه محسوب می گردد. از این منظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد.

از دیدگاه چلبی انجمن های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می آورند. از یک طرف تشکلهای مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می دهند و از سوی دیگر با بسط شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می کنند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۰).

حضور در عرصه مشارکت اجتماعی، حضوری است فعالانه، با انگیزه، فارغ از الزامات و تعیین‌های تحمیلی. از این‌رو می‌توان گفت مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که آگاهی، داوطلبانه بودن و غیرحکومتی بودن از خصایص عمده آن است.

به‌طور کلی می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد. مثل: عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکّل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های مذهبی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، ستادهای بازتابی و کوتاه‌مدت (ستادهایی که برای مدتی کوتاه در مواقع خاص برای واکنش به یک حادثه تشکیل می‌شود)، احساس مسئولیت در قبال هموعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنان، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس، اعیاد ملی - مذهبی و غیره. مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرآیند است، فرآیندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. مشارکت عنصری پویا، کمیت‌ناپذیر و تا حدودی غیر قابل پیش‌بینی و دگرگون‌کننده شرایط است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

#### ۱-۸-۳-۴- مشارکت فرهنگی

در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی در جوامع چندفرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی در جوامع چندقومی از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی می‌باشد. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

#### ۱-۸-۳-۵- مشارکت روانی

این نوع مشارکت مورد تأکید روان‌شناسان اجتماعی است، و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها و شکستن عقاید نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

#### ۱-۸-۴- مشارکت به‌عنوان وسیله یا هدف

برخی از صاحب‌نظران به مشارکت به‌عنوان ابزار و واقعیت مهمی که در راه توسعه اجتماعی نقش ایفاء می‌کند نگرسته و بر ارزش وسیله‌ای آن تأکید می‌کنند. در این دیدگاه با بهره‌گیری از دو وسیله، جهت تحقق این نوع از مشارکت عمل می‌شده است:

۱. طرح‌های توسعه‌ای، که هدف آن‌ها آماده کردن مردم برای تشریک مساعی در برنامه‌های عمرانی دولت بوده است.

۲. تأسیس سازمان‌های رسمی، که هدف آن‌ها ارائه ساختاری بوده که از طریق آن مردم بتوانند با طرح‌های توسعه رابطه داشته باشند (مثل: تعاونی‌ها، اتحادیه‌های کشاورزی و ...).

برخی از صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی با تأکید بر نقش مشارکت در تحقق انسان و جامعه انسانی، مشارکت را به‌عنوان یکی از اهداف و ارزش‌های اساسی انسانی و توسعه یاد نموده و برای آن ارزش غایی یا ذاتی قائل هستند. لذا در این دیدگاه فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت در سازمان‌های اجتماعی وظیفه شهروندان فعال محسوب گردیده و متمایز کننده حیات انسانی از سایر اشکال حیات است. (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

#### ۱-۸-۵- رابطه مشارکت با توسعه

امروزه به مشارکت به‌عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود. توسعه در معنای عام، فرآیند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده است که در زندگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حسابگری و برنامه‌ریزی نهفته است، به‌طوری‌که برای تنظیم روند هر نوع توسعه، لازم است که بین اهداف و وسایل دستیابی به آن‌ها هماهنگی ایجاد شود و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به‌صورت مطلوب و حساب‌شده بهره‌برداری شود و تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته شود.

به‌عبارتی مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق و اثربخش مردم در روند توسعه توجه دارد «در واقع مشارکت فرآیندی است که دربر گیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امری عمومی است».

در دهه‌های اخیر توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تا حد بسیاری ناشی از تجربه شکست برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می‌باشد. در بررسی برنامه‌ها، عدم بهره‌مندی از مشارکت مردم به‌عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. آنچه از جریان برنامه‌ریزی توسعه در دهه‌های گذشته برمی‌آید، بیانگر این امر است که این برنامه عمدتاً مبتنی بر طراحی متمرکز و از بالا به پایین بوده است. نارسایی این رهیافت‌ها آن بوده است که عموماً

اغلب مردم به ندرت در برنامه‌ریزی توسعه شرکت داده شده‌اند و معمولاً نقش فعالی در برنامه‌های توسعه نداشته‌اند. لیکن در دهه ۱۹۸۰ توجه بسیاری از اندیشمندان برنامه‌ریزی اجتماعی به طراحی جدید تحت عنوان از پایین به بالا و یا مشارکت معطوف گردیده است. (نیازی، ۱۳۸۱، ص ۳۸).

#### ۱-۸-۶- مشارکت و جامعه مدنی

مشارکت اجتماعی برای تحقق، نیازمند بستری مناسب است و بدون آن جریان نمی‌یابد. بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی مردم، تقویت جامعه مدنی و نهادها و فرآیندهای وابسته به آن است. اساساً رمز موفقیت جامعه مدنی در ایجاد و نهادینه کردن نهادهای مشارکتی نهفته است و نیز مشارکت واقعی مردم به تقویت جامعه مدنی منجر می‌گردد. ویژگی‌های داوطلبانه، آگاهانه و ارادی بودن، مشارکت اجتماعی را به جامعه مدنی پیوند می‌دهند. انجمن‌های داوطلبانه بستری مناسب برای جذب مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی، خصوصی، شرکت‌های تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می‌توانند مثال‌هایی از نهادهای مدنی باشند. (دانشمندی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰).

تشکل‌های مشارکتی از یک طرف با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آن‌ها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می‌دهند و از سویی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

#### ۱-۸-۷- مشارکت و دموکراسی

مشارکت یکی از مفاهیم اساسی در تعریف دموکراسی است همچنان که در مفهوم سنتی دموکراسی آمده است، دموکراسی، مشارکت توده مردم در زندگی سیاسی را به همراه دارد. ژاکوبسن در تعریف دموکراسی معتقد است «مشارکت اکثریت مردم در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی از طرف آنان دموکراسی تلقی می‌شود». (بشیری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵).

تعاریف ارائه شده از دموکراسی در هر حال اشکال وسیع و گسترده‌ای از مشارکت عمومی را دربر می‌گیرد. در واقع ویژگی اصلی دموکراسی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در امور است که سرنوشت آنان به آن وابسته است.

## ۱-۸-۸- مشارکت عمومی

مشارکت عمومی که معمولاً به تبع هم بستگی و وفاق ملی پدید می آید، عبارت است از: پذیرش آگاهانه و شرکت فعال و مؤثر افراد یک جامعه برای رسیدن به هدف خاص در قالب تعامل، همکاری، تعاون و همیاری از روی میل، رغبت و شوق با استفاده از همه امکانات بالقوه و بالفعل. بر این اساس، در نظام اجتماعی، مشارکت و همیاری و تعامل دو سویه مردم و حاکمیت در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی را مشارکت عمومی می گویند.

بدیهی است که در فرآیند مشارکت عمومی، فرد خواسته های واقعی خود و جامعه را به درستی و روشنی می شناسد و نه تنها هدف خود را با اهداف جامعه در تعارض و تضاد نمی بیند، بلکه این دو را مکمل و همسو تلقی می کند، به گونه ای که اگر خواسته های او با مصالح عمومی در تعارض باشد، مصالح جامعه را بر اهداف و منابع خویش مقدم می شمارد.

مشارکت عمومی در نظام مردم سالاری دینی حرفی از جنس دیگر دارد. نمود اصلی مشارکت عمومی برخلاف مشارکت سیاسی صرفاً انتخابات و شرکت در احزاب سیاسی نیست. در مشارکت عمومی همانگونه که از نامش پیداست مردم در عموم مسائل کشور دخیل هستند نه اینکه تنها پای صندوق های رأی حاضر شوند و بعد از انجام انتخابات از صحنه تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های کلان کشور حذف شوند. مردم در هر لحظه این نظام، صاحبان اصلی حکومت هستند. حضور در راهپیمایی های مختلف در طول سال های انقلاب، شرکت هفتگی در فریضه سیاسی - عبادی نماز جمعه، استقبال های عظیمی که از مسئولان بلند پایه مملکتی در دیدارهای استانی صورت می گیرد و... مصداق این مدعاست. ۸ سال جنگ تحمیلی و مشارکت عمومی مردم، از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد به تنهایی خود شاهد این ادعاست.

از طرفی عموم مردم در مسائل کشور شریک هستند نه اینکه تنها بخشی از متنفذان و نخبگان سیاسی ذی مدخل در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های کشور باشند. اگر در جوامع به اصطلاح دموکراتیک از مردم تعبیر به توده می شود اما در نظام مردم سالار دینی، مردم ولی نعمتان مسئولان هستند و حاکمان می باید خدمتگزاران مردم باشند. در واقع در مشارکت عمومی دو عنصر مشارکت یعنی مشارکت کننده و موضوع مشارکت هردو جایگاه ویژه خود را دارند و مردم به عنوان مشارکت کنندگان، ولی نعمتان موضوع مشارکت یعنی حکومت دینی هستند و دو عنصر مشروعیت و مقبولیت هم پای هم باعث پویایی و زندگی مردم سالاری دینی می باشند. (فیرمی، ۱۳۷۷، ص ۳۴ و ۳۵).

## ۱-۸-۸-۱- دیدگاه‌های نظری درمورد مشارکت عمومی

هرکدام از مکاتب موجود در جامعه‌شناسی با توجه به چشم‌اندازهای خود، تعابیر متفاوتی از مشارکت عمومی ارائه داده‌اند:

### الف. مکتب ساختارگرایی

این مکتب معتقد است که مشارکت عمومی مردم جزئی از ساختار اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت عمومی مردم، ساختار جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساختارهای گوناگون جامعه ایجاد شود. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

### ب. مکتب کارکردگرایی

این مکتب توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آن‌ها می‌شود. از نظر طرفداران این مکتب، عملکردی که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه را به وجود می‌آورد، حائز اهمیت است. زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد. در این مکتب، نقشی که هر جزئی از ساختار اجتماعی در رابطه با کل در جهت یکپارچگی ایفا می‌کند، حائز اهمیت است. (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

### ج. مکتب تضاد

این مکتب، مشارکت عمومی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند. (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

### د. دیدگاه فرهنگی

این دیدگاه، جنبه‌های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساختار هنجارهای جامعه، به‌خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت عمومی می‌شوند، بررسی می‌کند. در این دیدگاه اهمیت متغیرهای ساختاری انکار نمی‌شود ولی ارزش‌های فرهنگی، پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت عمومی محسوب می‌شود. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

### ه. دیدگاه روان‌شناختی

این دیدگاه، افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌داند. به‌منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله‌تغییرات مطلوبی در ساختار شخصیت آن‌ها



الزامی است. در این دیدگاه، تأکید برالگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل‌انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند. (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

#### ۱-۸-۹- کارکردهای مشارکت

اندیشمند آلمانی کورت لوین معتقد است که مشارکت، از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و نوآفرینی می‌کاهد و بر سازگاری آن‌ها می‌افزاید. در فضای مشارکتی، تعارض‌ها و ستیزها جای خود را به همکاری و تعاون می‌دهند. بنابراین:

- ۱- مشارکت، احساس وابستگی و علاقمندی را تقویت می‌کند. تحقیقات نشان داده‌است، هرگاه انسان در پدید آوردن امری مشارکت کند، از آن پشتیبانی خواهد کرد.
- ۲- مشارکت، کناره‌گیری و تفرّد را از میان برمی‌دارد. مشارکت، کسانی را که در حاشیه کارها ایستاده‌اند، به درون کوشش‌های گروهی می‌کشاند.
- ۳- مشارکت، فرهنگ سکوت را می‌شکند. مشارکت، انسان را به گفتمان وامی‌دارد و راه را برای پدیدار شدن سرمایه‌های فکری هموار می‌کند.
- ۴- مشارکت، شنیدن صدای دیگران را آسان می‌سازد.
- ۵- مشارکت، رشد و توسعه را شتاب می‌بخشد و بهره‌وری را افزایش می‌دهد.
- ۶- مشارکت، مشکل کمبود سرمایه و نیروی انسانی دولتی را برطرف می‌کند و در اجرا و حفاظت از پروژه‌های توسعه، سازمان‌های دولتی را یاری می‌رساند. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

## فصل دوم

مبانی مشارکت عمومی در نظام

اسلامی از منظر آموزه های دینی

## ۲-۱- درآمدی بر مبانی مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام

مفهوم مشارکت عمومی با این که اصطلاح جدیدی در علوم سیاسی به‌شمار می‌آید، ولی مبانی و مؤلفه‌هایی که حکایت از وجود آن در اندیشه دینی باشد، به‌وفور یافت می‌شود. مباحث مربوط به مشارکت عمومی و حق تعیین سرنوشت، از جمله مباحثی است که در تاریخ تفکر سیاسی غرب به‌طور منسجم در قالب جهان‌بینی اومانیستی توجّه می‌شود. غرب‌اندیشان سیاسی در جوامع مسلمان این شبهه و ایراد را به‌اندیشه اسلامی وارد می‌کنند که حوزه تفکر در دین الهی نمی‌تواند از مرز حق و تکلیف و بایدها و نبایدها فراتر رود و با شگردهای مختلف سعی در حاشیه‌سازی اندیشه‌های اسلامی می‌کنند. اما همه این ایرادها با بررسی متون دینی و توجّه به آیین اسلام قابلیت پاسخ‌گویی دارد.

در این جا به‌برخی از این مؤلفه‌ها در قالب مباحث کلامی، فقهی و قرآنی اشاره می‌گردد.

### ۲-۱-۱- مبانی کلامی مشارکت

با ارتباط برقرارکردن میان مسئله حسن و قبح عقلی و مشارکت، می‌توان یک‌مبنای کلامی برای مقوله مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام جستجو کرد. تعاریف زیادی برای حسن و قبح ارائه شده است، اما به‌نظر می‌رسد این تعریف برای آن مناسب‌تر باشد: هر فعل اختیاری که تصوّر شود، به‌یکی از دو صفت حسن یا قبح، متّصف می‌گردد؛ یعنی هم فعل است و هم صفتی زاید دارد، که نیک است یا بد. فعل حسن یا نیکو آن است که از نظر شرع کیفر و عقاب ندارد و فاعل آن از نظر عقلی مذمت نمی‌شود. (مشکور، ۱۳۶۸، ص ۲۰۱).

خواجه نصیرالدین طوسی حسن و قبح را این‌گونه تعریف می‌کند: کارها منقسم به حسن و قبیح یعنی خوب و بد و زشت و زیبا می‌شود. زیبایی و زشتی را معانی گوناگونی است: یکی آنکه، کاری یا چیزی سازگار با خوبی و ناسازگار با بدی باشد، دیگر آنکه کار یا چیز کاملی توصیف به‌خوبی و چیز ناقصی توصیف به‌زشتی شود. در اینجا مراد این دو معنا نیست، بلکه مراد آن، خوبی کردار است که عامل آن سزاوار نکوهش و عقاب نباشد و بدی است که عامل آن سزاوار نکوهش و عقاب باشد. (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴۲۵).

در قرآن کریم شواهد و دلایلی بر حسن و قبح عقلی یافت می‌شود که برخی را یادآور می‌شویم:

قرآن کریم آشکارا بیان کرده است با این که مشرکان عصر رسالت به‌شریعت اسلام ایمان نداشتند، به‌زشتی برخی از کارهایی که انجام می‌دادند اعتراف می‌کردند و هرگاه مورد اعتراض قرار می‌گرفتند، به‌عمل نیاکان خود که به‌زعم آنان مطابق امر الهی بوده است، اعتذار می‌جستند. قرآن در ردّ پندار آنان می‌فرماید:

وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا قُلُوبُنَا إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: «پدران خود را بر این عمل یافتیم و خداوند ما

را به آن دستور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟ (اعراف/ ۲۸). همچنین در مقام تقبیح شرک، آن را ظلم بزرگ می شمارد، یعنی قبح شرک را به این که ظلم عظیم است تعلیل می کند.

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ. به خاطر بیاور هنگامی را که لقمان به فرزندش، در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: «پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. (لقمان/ ۱۳). ولی در رابطه با حسن و قبح افعال می توان گفت که حسن افعال به اعتبار این است که دارای کمال فردی یا مصلحت عمومی است، به طوری که مورد مدح و ستایش عقلا قرار می گیرد، مثل عدالت که حافظ اجتماع و تداوم نسل بشری است.

همچنین قبح افعال به اعتبار نقصان فردی و مفسده عمومی آنهاست که مایه ذم و سرزنش عقلاست. این احکام عقلایی و عمومی را «آرای محموده» می نامند. (قدیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶). یعنی احکام عقلایی براساس مصلحت عمومی یا مفسده عمومی از جانب مردم صادر می شود و مورد قبول شارع نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، هر دلیل عقلی در فقه دارای یک مقدمه کبری است که لازمه بین حکم عقل و حکم شرع است. یعنی: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْع».

در بررسی موضوع مشارکت، در چارچوب حسن و قبح عقلی باید به موارد آن نیز اشاره کرد و طبق این سنجش به پذیرش یا رد آن پرداخت. به دلیل اینکه مشارکت عمومی یک تصمیم گیری عمومی است، به صرف زمان و هزینه های زیادی نیاز دارد که عامل چندگانگی و چنددستگی در جامعه است و به نوعی بیانگر معایب مشارکت در حوزه عمومی می شود. اما در کنار این معایب باید به محاسن آن هم اشاره کرد و در نهایت، به پذیرش یا رد آن همت گماشت.

صاحب نظران معتقدند که امروزه مشارکت برای عاملان اجرا و صاحب منصبان دولتی از یک سو و افراد شرکت کننده، یعنی مردم از سوی دیگر، اهداف و فواید خاصی دارد که از جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

هرچه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه به هنجارتر، عقلانی تر و منطقی تر می شود. (بابایی، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

مشارکت، بیگانگی اجتماعی را تقلیل می دهد و از ایجاد اثرات منفی روانی در مردم مانند بی اعتمادی، بی تفاوتی، تکروی و عدم وجود تعاون و تحرک و توجه به منافع شخصی، جلوگیری می کند، در مقابل، همبستگی ملی را تقویت می کند. (فولادیان، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

مشارکت، داوطلبانه گرایی را افزایش می دهد و به ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم و نیروهای دولتی می انجامد. (آزاد ارامکی، ۱۳۷۶، ص ۵۱).

مشارکت، به عنوان یکی از طرق تأمین اصول احترام به شخصیت فردی و اجتماعی و حقوق انسانی افراد و احساس امید به زندگی را در مردم تقویت می‌کند. حاصل این امیدواری نیاز به رفاه بیشتر و سپس تأمین آن را به وجود می‌آورد. مشارکت، امکان و فرصت بیشتری برای استفاده از خدمات عمومی و اساسی دولتی را برای مردم تأمین می‌کند. (فولادیان، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

بنابراین با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است و مخاطب دین نیز مردم و هدف آن هم، ارتقاءبخشیدن به زندگی فرد و جامعه است، طبق قاعده حسن و قبح عقلی می‌توان ادعا کرد که اگر مشارکت مردم باعث شود که انسان به هدف‌های ترسیم شده دینی، سریع‌تر نزدیک شود و یا جامعه را به مرحله‌ای از رشد فکری و فرهنگی برساند که آموزه‌های فطری به صورت شایسته‌ای در جامعه تحقق یابد، نه تنها مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از منظر عقل و عقلاء مطلوب می‌شود، بلکه به کارگیری چنین روشی در اداره امور جامعه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲-۱-۲- مبانی فقهی مشارکت

واژه مشارکت سیاسی به طور مشخص در متون فقهی و دینی اسلام وجود ندارد، ولی عناوینی در متون اسلامی به چشم می‌خورد که معنا و مصداق آنها با مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش مطابقت دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### الف: بیعت

بیعت، یکی از مظاهر آشکار آزادی سیاسی در اندیشه اسلامی است که از رهگذر اراده جمعی امت، تعامل میان حکومت و جامعه را به نمایش می‌گذارد. بیعت در صدر اسلام، دارای اهدافی بود که مهم‌ترین آن‌را می‌توان در محورهای چون: عضویت رسمی افراد و مجموعه‌ها در جامعه اسلامی، پیمان وفاداری برای شرکت در امر مهم و احراز و اثبات مقبولیت، تلخیص کرد.

بر این اساس، گاه بیعت برای اعلام حضور و مشارکت در امور مهم و در مواردی هم برای احراز مقبولیت حکومت صورت می‌گرفت. بنابراین، بیعت‌هایی که ائمه (ع) با پاره‌ای از مردم داشتند به قصد مشروع ساختن حکومت‌هایشان نبود، بلکه به قصد فعلیت بخشیدن به آن بود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۶).

بیعت در عصر غیبت دونقش مهم را ایفا می‌کند که عبارتند از:

۱. شناسایی واجدین شرایط لازم در سایه رهنمودهای عقل و شرع ۲. انتخاب فرد اصلح و قصد وفاداری به او و فراهم ساختن امکانات لازم برای ایجاد توان و قدرت اجرایی دولت حاکم. بنابراین، بیعت در عصر غیبت، نقش به فعلیت رساندن صلاحیت رهبری را ایفا می‌کند. با توجه به مفهوم این اصل می‌توان گفت که

ب: النصيحة لأئمة المسلمين

نصيحت ائمه مسلمين یکی از عناوین مرتبط با رابطه حکومت و مردم در اندیشه دینی است که از دیرباز در فقه سیاسی اسلام مطرح بوده و مورد توجه واقع شده است. نصیحت ائمه مسلمین، از نمودهای برجسته نظارت بر قدرت سیاسی است که به نحوی مشارکت سیاسی مردم را در امور سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی بازگو می کند.

یکی از معانی نصیحت، خیرخواهی است و در اینجا منظور، خیرخواهی رهبران و کارگزاران و تمام کسانی است که امور عمومی جامعه را به عهده دارند. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: و امّا حقّ من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در آشکار و نهان خیرخواهی نسبت به مرا از دست ندهید. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

ج: واجب کفائی

دسترس‌ی به این مدرک بر پایهٔ این‌نامهٔ ثبت و شامعهٔ پیش‌بندها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/۶۴ تاریخ ۱۳۹۵/۶/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شن‌دی است.

بنابراین، جامعه به‌نمایندگان مردم، مجلس قانون‌گذاری و نهادهایی برای برنامه‌ریزی در جهت عدالت و قوه مجریه برای اجرای آن نیازمند است و تمام اینها نیاز به مشارکت مردم دارد که در جامعه امروز به آن مشارکت سیاسی می‌گویند و از مصادیق واجب کفایی در فقه اسلامی است.

بنابراین، مردم برای انجام واجبات کفایی چاره‌ای جز مشارکت جمعی برای تعیین سرنوشت عمومی و اجتماعی خود ندارند و بخشی از آنچه مشارکت سیاسی نامیده می‌شود، در حوزه شریعت اسلام جزو واجبات کفایی محسوب می‌شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

### د: اصل مقدمه واجب

اصل مقدمه واجب از قواعد بسیار مهم اصول فقه است که فقها در موارد متعددی به آن تمسک می‌کنند. بر پایه این قاعده، اگر تحقق واجبی به مقدمات و امور دیگری وابسته باشد، آن مقدمات «به تبع» وجوب شرعی می‌یابند. سؤال این است که آیا این قاعده اصولی در زندگی سیاسی - اجتماعی نیز کاربرد دارد؟ باید گفت که علمای اصولی شیعه در مسایل حکومتی به این اصل تمسک می‌جویند.

برای مثال «محقق نائینی» در برابر علمای مخالف مشروطه و قوه مقننه به قاعده مقدمه واجب، این چنین اشاره می‌کند:

اگر اقامه واجبی هم بر آن متوقف شود، لامحاله عقلاً لازم‌العمل و بالعرض واجب خواهد بود، هرچند در اتصاف مقدمه واجب به وجوب شرعی استقلال هم قائل نباشیم، چه بالضروره توقف واجب بر آن، عقلاً موجب لزوم اتیان است و این مقدار از لزوم مقدمه، فی‌مابین تمام علمای اسلام اتفاق و از ضروریات است. بنابراین، همان‌گونه که اصل تأسیس حکومت از ضروریات عقلی محسوب می‌شود، مقدماتی هم که باعث ثبات سیاسی حکومت می‌شود، از واجبات ضروری به‌شمار می‌آید. به عبارتی، اکنون در شیوه حکومت‌داری، اندیشمندان سیاسی بر این باورند که مشارکت سیاسی و همدلی مردم با حکومت، موجب استمرار و ثبات آن می‌شود، بنابراین، رعایت حقوق مشارکتی مردم، «به تبع» از واجبات شرعی به‌شمار می‌آید. (مقیمی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰).

### رضایت عمومی:

پنجمین عنوانی که زیرمجموعه مشارکت جمعی محسوب می‌شود، مفهومی است که در متون اسلامی به صورت «رضی العامه» وارد شده است. در متون متعدد، در روایات نبوی (ص) و احادیث ائمه معصومین (ع)، مسئولان جامعه موظف شده‌اند که رضایت عمومی را در نظر بگیرند و رعایت کنند.

یعنی جامعه، حکومت و دولت همواره باید در حالت توازن از نظر رضی‌العامه باشد. مفهوم رضی‌العامه یک اصطلاح جافتاده سیاسی در متون اسلامی است و در این جمله خلاصه می‌شود که: «نظام سیاسی باید برپایه رضایت عمومی استوار باشد».

شکلی نیست که رضایت عامه از راه مشارکت جمعی احراز می‌شود، یا حداقل یکی از راه‌های احراز آن، مشارکت جمعی است. به‌عنوان مثال، در نظام‌های پارلمانی امروزی، رئیس دولت از یک‌سو منتخب یا تأییدشده مجلس است و از سوی دیگر، برای حفظ توازن قوا می‌تواند مجلس را منحل کند. دلیل اینکه قانون، اجازه انحلال مجلس را به‌او داده این است که معلوم شود مردم کدام را می‌خواهند؛ چون بلافاصله انتخابات صورت می‌گیرد و اگر مردم نمایندگان قبلی را انتخاب کردند، معلوم می‌شود که از موضع‌گیری‌های مجلس رضایت داشته‌اند و با مواضع رئیس‌جمهوری مخالف بوده‌اند و اگر مردم نمایندگان جدیدی انتخاب کردند، بدین معنی است که از برنامه‌های دولت رضایت دارند و از مواضع مجلس ناراضی هستند. در متون اسلامی هم، تعیین‌کننده نهایی، رضایت عمومی است که در انتخابات و مشارکت جمعی مردم ظاهر می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۹).

## ۲-۱-۳- جلوه‌های مشارکت مردم در نظام اسلامی

یکی از بارزترین ویژگی‌های نظام اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی، مشارکت همه جانبه و فعال عموم مردم در تمامی حوزه‌های تصمیم‌گیری و اداره جامعه است، به‌طوری که نقش مشارکت عمومی آحاد جامعه حتی در حوزه‌های کلان تصمیم‌گیری نظام اسلامی محترم شمرده می‌شود. چراکه نظام اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی هم از مشروعیت الهی و هم مقبولیت مردمی برخوردار است و احترام به آرای عمومی در سرلوحه برنامه ریزی‌های مسئولان نظام اسلامی است. که این خود یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ ثبات و امنیت نظام اسلامی است. در این رابطه به بیان جلوه‌های مهمی از مشارکت مردم در نظام اسلامی می‌پردازیم:

### الف: همیاری و هم‌فکری اجتماعی

برخی از آیات قرآن کریم، بیشتر ناظر بر بُعد اجتماعی زندگی انسان است و به‌نوعی مفهوم مشارکت، همیاری و هم‌فکری جمعی از آن برداشت می‌شود. از جمله مؤلفه‌هایی که در قرآن کریم در رابطه با مشارکت اجتماعی به بحث گذاشته شده است، در قالب کلمه «کفل» است. «کفیل» به معنی سرپرست و ضامن است. چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: اِذْ يُلْقُونَ اَقْلَامَهُمْ اَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُونَ. در آن هنگام که قلم‌های خود را برای قرعه‌کشی به آب می‌افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود ... (آل عمران / ۴۴).

آن چه از این آیه برداشت می‌شود، تکافل و سرپرستی اجتماعی است؛ یعنی افراد جامعه همدیگر را سرپرستی کنند و با آنچه در اختیار دارند، به یکدیگر کمک و مساعدت نمایند و یا به گونه‌ای با هم اتفاق نظر و دارای یک تصمیم باشند؛ چه این تصمیم ایجابی باشد یا سلبی. (ناصح علوان، ۱۳۷۳، ص ۲۶).



آیه دوم سوره مائده از جمله آیاتی است که مردم را به مشارکت دسته جمعی برای به وجود آوردن مصالح زندگی اجتماعی دستور می دهد: وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. (مائده/ ۲).

شاید گویاترین و صریح ترین آیه درباره لزوم تبعیت دولت از افکار عمومی و رأی صاحبان اندیشه سیاسی (مشارکت سیاسی) آیه ۶۱ سوره توبه باشد که به اعتراض منافقان فرصت طلب، به ویژگی بارز مردمی بودن پیامبر (ص) اشاره می کند و نه تنها نسبتی را که منافقان به پیامبر اعظم داده اند، نفی نکرده، بلکه بر آن تأکید کرده است. این صفت را منافقان به عنوان صفت ذم از پیامبر (ص) یاد کرده اند، ولی خداوند به عنوان صفت مدح یاد کرده است:

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

از جمله منافقان، کسانی هستند که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند، او شخص ساده و زودباوری است، بگوزودباوری من لطفی به نفع شماست، او به خدا و به مؤمنان اطمینان دارد و برای مؤمنان حقیقی شما رحمت الهی است و برای آن ها که رسول را آزار دهند عذاب دردناک مهیاست.

زیرا علت گوش بودن پیامبر دو چیز است:

یکی اینکه به خدا باور دارد و قهراً بیشتر از آنچه خدا به او اختیار داده و تکلیف فرموده است، نمی طلبد و دیگر اینکه به مؤمنان نیز اعتماد دارد و برای اندیشه آنان اعتبار قائل است و او رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان آوردند و آنان که پیامبر خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی در انتظارشان خواهد بود. (ورکیانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

## ب: شورا

شورا و مشورت، یکی از آموزه ها و تعالیم دینی است که فرهنگ اسلامی بر آن اهتمام و تأکید داشته است. مشورت به مفهوم تبادل آراء و افکار به منظور دستیابی به تصمیم صواب یا صواب تر، یکی از وظایف حکومت اسلامی و کارگزاران نظام دینی است. هر چند شیوه ها و مکانیزم های شورا و مشورت هیچ گاه روند مشخصی را طی نکرده است، اما با توجه به مباحث نظری مقوله شورا، اهتمام فرهنگ سیاسی اسلام به نقش افراد و جامعه در تعیین سرنوشتشان به خوبی آشکار می شود. بنابراین، مشورت و شورا به مفهوم تضارب آراء و اختبار از اصحاب خرد برای رسیدن به نظر صواب یا احسن، خود زمینه جدی مشارکت را در جامعه دینی فراهم می سازد. (سجادی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

قرآن کریم که مهم ترین و معتبرترین منبع برای دریافت احکام و موازین شرعی است، یکی از امتیازات جامعه اسلامی را حرکت و عمل بر پایه مشورت، تبادل نظر و تصمیم گیری جمعی دانسته و بر آن تأکید

کرده است. در آیات متعددی بر ضرورت شورا توجه شده و بدان تصریح می‌شود که به‌ذکر دو آیه از آن بسنده می‌شود. وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ. و در کارها با آنان مشورت کن. (آل عمران/۱۵۹). وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ. و مؤمنان کارشان را با مشورت انجام می‌دهند. (شوری / ۳۸).

در هر دو آیه به‌صراحت هرچه تمام، اصل شورا مطرح گشته و از پیامبر اکرم (ص) خواسته شده است تا در کارهای اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی بر پایه شور و مشورت با دیگران عمل کند. (مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

پیامبر گرامی اسلام (ص) دارای سه شأن بودند:

۱. انسانی والا قدر و شخصیتی برجسته در جامعه خویش.
  ۲. پیغمبری که حامل رسالت الهی برای جهانیان می‌باشد.
  ۳. زعیمی وارسته و شایسته که زعامت سیاسی، اداری و اجتماعی امت را برعهده دارد.
- مخاطب آیات ذکر شده همین شخصیت سوّم اوست؛ زیرا پیغمبر (ص) در امر نبوت با کسی مشورت نمی‌کند و امور شخصی نیز مورد نظر این آیات نیست؛ بلکه مقصود، مشورت در امور حکومت است و لذا این آیه به‌عنوان دستور کلی برای تمامی زعمای اسلامی صادر شده است.
- شایان ذکر است در اموری که بیان شرعی دارد، مشورت صورت نمی‌پذیرد، ولی در اموری که امر و نهی شرعی نرسیده است، مشورت موضوعیت می‌یابد. وقتی شارع مقدّس دستور می‌دهد، وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ. و مؤمنان کارشان را با مشورت انجام می‌دهند. (شوری / ۳۸). یعنی جامعه اسلامی باید در کارهای مربوط به‌شئون عامّه، مشورت انجام دهد. اسلام در این زمینه، «عرف عقلاء» را قبول دارد. (معرفت، ۱۳۷۶، ص ۲۵۲).

### ج: امر به‌معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان روش واقعی تغییر و اصلاح اجتماعی و برخورد با حالات انحرافی که بر جامعه دینی و دولت اسلامی عارض می‌شود، رسالتی همگانی است که به‌خوبی زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی افراد و نیروها را فراهم می‌آورد. (سجّادی، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

مسلمانان براساس وظیفه امر به‌معروف و نهی از منکر، دارای اراده آزاد و حق انتخاب می‌باشند و در قبال خوبی و بدی زندگی اجتماعی و رفتار افراد نسبت به‌همدیگر مسئولیت دارند. چون در حقوق اسلامی رابطه مردم با یکدیگر و نیز مناسبات اجتماعی به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که سرنوشت هرکس با سرنوشت دیگران گره خورده است. (جوان آراسته، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵).

بر این اساس، امر به‌معروف و نهی از منکر تنها در محدوده اعمال و رفتار فردی ناظر به‌رابطه خلق با خالق محدود نمی‌شود، بلکه شامل روابط اجتماعی افراد و تعامل اجتماعی و سیاسی در درون جامعه اسلامی

نیز می‌شود. هرچند امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو فرع از فروع دین مطرح است، اما از نظر تأثیری که در مجموعه تعالیم دینی می‌گذارد، چنان وسیع است که بخش اعظم شریعت را دربر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲).

بنابراین، امر و نهی در امور مربوط به مدیریت سیاسی و اداره جامعه، یکی از حوزه‌های این تکلیف دینی به‌شمار می‌آید. دیدگاه جامع‌نگر به دین که تعالیم دینی را از حوزه فردیت و معنویت به گستره اجتماع و امور عرفی تسری می‌دهد، عرصه سیاست و اجتماع را بارزترین نمود امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. با این تفکر، کلیه شهروندان در قبال اوضاع جاری جامعه، رفتار و کردار صاحبان قدرت و کارگزاران حکومت اسلامی، وظیفه نقد، نصیحت و نظارت را بر عهده دارند.

این امر به مفهوم ایجاد زمینه‌های مشارکت سیاسی افراد در حکومت دینی است؛ زیرا در این صورت، کلیه افراد و سازمان‌ها در جامعه اسلامی وظیفه دارند تا در تعیین سرنوشت خود سهیم شوند و با اعمال نظارت، نصیحت و انتقاد دلسوزانه، زمینه‌های مدیریت مناسب را تدارک دیده و استحکام نظام سیاسی متکی بر تعالیم دینی را فراهم آورند. علاوه بر این، در آیه‌های متعددی از قرآن کریم آشکارا تأکید شده است که نظارت مردم بر روند امور جامعه اسلامی، نه تنها حق، که وظیفه‌ای تَخَلُّف‌ناپذیر است.

برای نمونه به این آیه شریفه می‌توان استناد کرد: وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. (آل عمران / ۱۰۴). طبق این کلام آسمانی باید از میان جامعه اسلامی، گروهی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند. ظهور امر در این آیه شریفه، تردیدی در وجوب نظارت همگانی باقی نمی‌گذارد. (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

در قرآن کریم آیه‌های فراوانی درباره امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و امر به معروف و نهی از منکر ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا و زکات می‌دهند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند، آنان را خداوند به زودی مورد رحمت خود قرار می‌دهد، همانا خداوند، عزیز و حکیم است. (توبه / ۷۱).

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند، برای آن ها بهتر بود، برخی از آن ها مؤمن و بیش

ترآن هافاسق هستند. (آل عمران/۱۱۰). الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. همان کسانی که چون در زمین به آنها توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. (حج / ۴۱).

اکثراً از معنی امر به معروف و نهی از منکر یک‌برداشت انتقادی می‌شود، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر تنها انتقاد نیست. شاید نهی از منکر جنبه انتقادی داشته باشد، ولی امر به معروف جنبه سازندگی دارد؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، هم جلوبرنده‌اند و هم، بازدارنده. مردم با مشارکت خود جامعه‌ای را می‌سازند که دائماً در حال حرکت به سوی معروف‌هاست و معروف‌ها را از قوه به فعل درمی‌آورد و با یک‌وضع نقادانه جلو منکرات و موانع تکامل را می‌گیرد.

این کار در سطح کلان جامعه، از رهبران نظام سیاسی گرفته تا اجزای آن و تمامی نهادهای اجتماعی، انجام می‌پذیرد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۷). البته حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر براساس قانون و شرع تعیین می‌شود که مردم نسبت به هم، در چه مواردی حق دخالت و بازدارندگی دارند و در چه مواردی این حق را ندارند؛ ولی اگر امر به معروف و نهی از منکر به طور فردی و سلیقه‌ای و جهت‌دار صورت گیرد و هماهنگ با هدف و ساختار اجتماعی و نظام سیاسی انجام نگیرد، جامعه را دچار هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد کرد. (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷).

#### د: اراده جمعی

از اولین مفاهیمی که در متون اسلامی بر مشارکت مردم دلالت می‌کند «اراده جمعی» است. اراده جمعی انسان‌ها از آیه شریفه: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. «خداوند تغییر نمی‌دهد سرنوشت قومی را مگر اینکه آنها در خود، تغییر ایجاد کنند» (رعد/۱۱). استنباط می‌شود. در این آیه، اراده جمعی به عنوان یک‌عامل مستقل در طول اراده خداوند مطرح شده است.

اگر این آیه شریفه و آیات مشابه و نصوصی از این دست در روایات نبود، این تفکر که ما در برابر اراده خداوند، اراده انسان را تعیین‌کننده سرنوشتش بدانیم، شرک‌آلود بود؛ زیرا اصالت دادن به اراده انسان در برابر اراده خدا، نوعی اومانیسم و شرک است. ولی چون قرآن، این اجازه را داده است و حاکمیت اراده جمعی همانند ولایت طولی، از اراده تشریعی ازلی و الهی سرچشمه گرفته است، منافاتی با توحید ندارد، بلکه عین توحید است.

بنابراین، با اینکه اراده خداوند به تمامی عرصه‌های آفرینش حاکم است، ولی باری تعالی از روی حکمت بالغه خود، این آزادی را به انسان داده است که اراده مستقل داشته باشد و سرنوشت خود را پیش‌بینی کند و بتواند آینده خودش را بسازد. آیه مذکور حاکی از اراده تکوینی خدا در حوزه جامعه سیاسی است و موکول

به این است که انسان‌ها، خود اراده جمعی در پیش گیرند و این اراده جمعی، حاصل همان مشارکت اجتماعی و سیاسی است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳).

### ه: اطاعت جمعی

یکی از مصادیق مشارکت جمعی در اسلام، مسئله اطاعت از خدا و رسول خدا و اولی الامر است؛ چون نفس این اطاعت، مشارکت جمعی را می طلبد، در حالی که منبعث از اراده آزاد انسان‌ها می باشد. بنابراین اگر خداوند، به رسول خدا یا امام - چه امامی بالاصاله، چه امامی نیابی - دستور دهد، باید به صورت جمعی از آن اطاعت کنیم و این اطاعت جمعی، از نصوصی چون آیه شریفه: خدا، پیامبر و اولوالامر را اطاعت کنید. (نساء / ۵۹) برداشت می شود و با گستره ای که دارد، تمام عرصه های زندگی را دربرمی گیرد.

وقتی به صورت طولی و از بالا نگاه کنیم، این فرمان است و هنگامی که از پایین نگاه کنیم، این اطاعت منبعث از اراده مردم است و نافی اختیار آنها نیست و علاوه بر آن، اطاعتی بر مبنای معرفت و شناخت - و نه کورکورانه - است. اطاعت از خدا، در پی اعتقاد به توحید و اطاعت از رسول، در پی اعتقاد به نبوت و اطاعت از اولی الامر، در پی اطاعت از فرمان رسول است. بنابراین هیچ یک از این اطاعت‌ها کورکورانه یا خارج از حدود آزادی و اختیار انسان نیست، بلکه یک اطاعت انتخاب شده و آگاهانه است و مشارکت جمعی مبتنی بر شناخت و آگاهی را می طلبد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۳۴).

بنابراین، اندیشه سیاسی اسلام نه تنها حق مشارکت مردم در حوزه های کلان جامعه را به رسمیت می شناسد، بلکه در چارچوبی خاص، مردم را فراتر از حق، به مشارکت در احقاق حقوق و تعیین درست سرنوشت خویش برای تحقق جامعه آرمانی مکلف می کند. با این تفاوت که مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام و مشارکت جمعی وسیله ای است برای رسیدن به اهداف و آرمان های وحیانی، در حالی که در غرب این وسیله ضد اندیشه های توحیدی و برای تحقق آرمان های بشری استفاده می شود.

در اندیشه اسلامی، دستوراتی چون: تشریع احکام، تحلیل حلال و تحریم حرام در حوزه تصمیم گیری الهی قرار می گیرد که آن هم در راستای کمال بشری است. اما محدوده وسیعی برای تدبیر حوزه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در اختیار انسان گذاشته شده که براساس شرایط زمان و مکان و عرف عقلاء، روش های مختلفی برای رسیدن به مقصود اتخاذ می شود.

### ۲-۱-۴- محدوده مشارکت از دیدگاه تفکر اسلامی

از راهکارهای قطعی استیفای حقوق مردم، مراجعه به نظرات و آرای آنان است. در تفکر دینی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و مقدرات خود را رقم می زنند. آنان می توانند با استفاده از حق

تکوینی خود، بالاترین حقیقت و عالی‌ترین حقوق خود را در عرصه حکومت بپذیرند یا کنار گذارند. اما نباید از آن، فراگیری بی‌اندازه در مشارکت را نتیجه گرفت.

بعضی می‌پندارند اگر تشکیل و نیز قوام حکومت به‌حمایت مردم بستگی دارد، با کمال آرامش می‌توان در هر امری به‌رأی مردم مراجعه کرد و مشکلی سر راه اداره امور خرد و کلان باقی نمی‌ماند، اما در اندیشه دینی نمی‌توان همه مسایل را به‌آرای عمومی سپرد.

در اندیشه دینی، عرصه عمومی به‌دو بخش امرالله و امرالناس تقسیم می‌شود:

### الف: امرالله

این عرصه به‌آن دسته از مسایلی اختصاص دارد که در متون دینی، نظر خاصی بدان تعلق گرفته است؛ یعنی عرصه‌ای که احکام و قوانین مسلم الهی در آن قرار دارد که به‌این جهت، حفظ حرمت آن بر هر متدینی واجب و لازم است. حاکمان و دست‌اندرکاران حکومت دینی، از صدر تا ذیل، موظفند از چنین حریمی مواظبت کنند، چه از آن حیث که خود یکی از افراد معتقد به‌دینند و چه از آن جهت که متولی امور جامعه دینی‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲).

آنان ابتدا باید زمینه تغییر و تبدیل را از قوانین الهی بگیرند، چون ممکن است فردی که منافع خود را با دستورهای الهی در تضاد می‌بینند، سعی کنند چنین احکامی را به‌گونه‌ای دیگر نشان دهند که اگر این امر، ادامه یابد، رفته رفته اثری از دین باقی نخواهد ماند. از این‌رو، در تغییر و تبدیل احکام الهی از هیچ‌کس چشم‌پوشی نمی‌شود.

حتی پیامبر گرامی اسلام (ص)، تهدید شده است که اگر در این راه کوتاهی کند، به‌بدترین شکل مؤاخذه می‌شود: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ. ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ. اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم. (حاقه / ۶۶ - ۶۷).

از سوی دیگر، در این عرصه لازم است زمینه استنکاف نیز برچیده شود. جامعه و حکومت دینی از نظر کاربرد، نباید به‌مرزهای احکام و قوانین الهی تعرضی داشته باشد و این، ضروری‌ترین معنای دینی بودن حکومت و جامعه است. چگونه ممکن است جامعه و حکومتی خود را دینی بداند و نسبت به‌آموزه‌های الهی بی‌تفاوت باشد؟ از این‌رو، تصویب هر قانون و اجرای هر امری باید با توجه به‌احکام و قوانین الهی و نیز حفظ حریم آنها صورت پذیرد.

این توجه و حفظ حریم نیز به‌بخشی از احکام و تعالیم الهی اختصاص ندارد، بلکه هر حکمی از احکام خداوند، جایگاه خاص خود را دارد و باید محترم شمرده شود. به‌این سبب، نگاه متولیان مملکت و حکومت اسلامی به‌احکام الهی، باید همه‌جانبه و کامل باشد و نگاه یک‌سویه و متمایز به‌بعضی احکام، که به‌بعضی از آن عمل شود و بعضی دیگر به‌کنار گذاشته شود، عملی مطرود و ناپسند است.

به گونه‌ای که ذات اقدس الهی، بنی اسرائیل را به سبب چنین عملکردی سرزنش کرد. آنان به دلیل منافع خود، حکم فدیة را پذیرفتند، اما از حکم خراج سرپیچی کردند و به این سبب، مستحق عذاب شدید و مستوجب خذلان الهی در دنیا و آخرت شدند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴).

خداوند حکیم در آیه ۳۶ سوره احزاب می‌فرماید: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا.

هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی حق ندارد وقتی که خدای متعال و فرستاده‌اش کاری را واجب و ضروری دانستند، اختیار کار خویش داشته باشند، و هر که خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند، آشکارا به بیراهه رفته است. بنابراین هیچ مؤمنی حق ندارد اوامر الهی و فرمان‌های پیامبر گرامی را مورد بی‌اعتنایی و مخالفت قرار دهد.

بنابراین، عرصه امرالله عرصه تبعیت از احکام و دستورهای الهی است که توجه کامل و حفظ حریم همه آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این عرصه، چارچوب مقدسی است که با حمایت آرای مردم، ایجاد و سبب قدسی شدن آراء و نظرات مردم و نمایندگان آن در جامعه می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۷).

#### ب: امرالناس

در مقام اجرا، امرالناس به‌اموری از زندگی بشر اطلاق می‌شود که شارع مقدس، الزام خاصی درباره آنها ندارد. در این عرصه، حکومت براساس نظرات و آرای مردم، هدایت و اداره می‌شود و دولت‌مردان موظفند طبق خواسته و اراده آنان به مدیریت جامعه بپردازند. خداوند متعال در چنین حیطه‌ای است که به پیامبر خود امر می‌کند با مردم، تبادل نظر و مشورت کند و آنان را نیز به مشورت با یکدیگر ترغیب کند و کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده و نماز برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن هاست. وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ. و آن‌ها که دعوت پروردگارش را اجابت کرده، و نماز را برپا داشته، و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می‌گیرد، و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می‌کنند. (شوری / ۳۸). با تأمل در آیات مزبور و مانند آن، می‌توان دریافت که استفاده از آرای افراد جامعه، امری حاشیه‌ای نیست که پیامبر گرامی اسلام (ص) هرگاه تمایل پیدا کرد، از گفته‌ها و آرای آنان باخبر شود، بلکه از سیاق آیات برمی‌آید که امر مشورت، یک‌اصل در سیره حکومت اسلام است و حضرت رسول (ص) موظف بودند در امور جامعه، نظرات و آرای مردم را داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵).

به دیگر سخن، مسئله مشورت صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه اصلی عملی را در حکومت دینی تبیین می‌کند. این تصور، همواره از سوی مدعیان سکولاریزم مطرح می‌شود که چون در حکومت دینی، احکام و قوانین الهی، نسبت به آرای مردم ارجحیت و برتری دارد، مردم از دید صاحبان حکومت دینی

بی‌ارزشند و نقش آنان بسیار کم‌رنگ است، در حالی که ارجحیت داشتن احکام الهی نسبت به نظرات مردم، به معنای نادیده گرفتن جایگاه و نقش آرای مردم در اداره جامعه نیست. مردم، شأن و جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای در حکومت دینی دارند که باید محترم شمرده شود و اساساً احترام به شئون ایشان بنابر آنچه در آیات الهی آمده است، منافی ارزش نهادن به احکام و قوانین دینی نیست.

لذا اگر احکام دینی به آرای قانونمند افراد جامعه ارجح می‌نهند، در اصل به امر پروردگار جهان ارزش و اهمیت داده است و اگر به آرای آنان که در حیطه و جایگاه خود ابراز شده، بی‌حرمتی کند، اساساً از امر الهی سرپیچی کرده است. بنابراین، «امرالّناس» نیز به واسطه «امرالله»، ارزش و اهمیتی خاص دارد و کم‌ارزش انگاشتن امرالّناس، ربطی به ارزشمند دانستن امرالله ندارد.

برای تشخیص حیطه‌های امرالّناس، لازم است ساختار کلی نظام دینی در عمل و اجرا بررسی شود. سه کار عمده در حکومت دینی، عبارت است از: قانونگذاری، اجرای قانون و نظارت و تطبیق اجرا با قانون. این سه کار که در نظام‌های فعلی، به عهده قوای سه گانه است، براساس تصمیم عقلانی نه قراردادی محض از هم منفک و جدا شده است. در هر یک از بخش‌های یادشده، رأی و نظر مردم که بیان‌کننده حیطه امرالّناس است به صورت مستقیم و غیرمستقیم دخالت دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶).



# فصل سوم

## راهکارهای افزایش مشارکت عمومی و آثار و پیامدهای آن در نظام اسلامی

### ۳-۱- راهکارهای افزایش مشارکت عمومی در نظام اسلامی

با توجه به نقش بسیار مؤثر مشارکت عمومی در رشد، توسعه و تعالی جوامع اسلامی، بهره‌گیری از راهکارهای مناسب جهت افزایش این مشارکت در عرصه‌های مختلف اداره نظام اسلامی، امری مسلم و اجتناب ناپذیر است، تا مردم مسئولان نظام را خادم خود بدانند و در فراخوان‌های عمومی مشارکت، نقش فعال‌تری ایفاء نمایند. با توجه به این که مشارکت عمومی یکی از شاخصه‌های اصلی نظام توسعه‌یافته اسلامی محسوب می‌شود. باید دید که چه عوامل و زمینه‌هایی می‌تواند در افزایش هدفمند مشارکت عمومی مردم در امور مختلف کشور تأثیرگذار باشد.

به طور کلی راهکارهایی که در نظام اسلامی برای افزایش مشارکت عمومی مردم به کار برده می‌شود، عبارتند از:

#### ۳-۱-۱- افزایش آگاهی فردی و جمعی

از جمله راهکارهای افزایش مشارکت عمومی، آگاهی دادن به مردم از توان، ظرفیت‌ها، استعدادها و قدرت و منزلت خویش و نیز حقوق شهروندی آنان در باب مسئولیت‌های فردی و اجتماعی ایشان است که می‌تواند عامل مؤثری در بهسازی و نوسازی و آبادانی کشور باشد. اگر واقعاً مردم به این حقیقت پی ببرند که اگر بخواهند می‌توانند همه امور را مطابق ذوق و سلیقه خویش بسازند، و در این زمینه آگاهی لازم به آنان داده شود، قطعاً به صورت آگاهانه و از روی طیب نفس و اختیار در فعالیت‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های ملی مشارکت جدی، همراه با همبستگی و وحدت خواهند داشت.

بسیاری از انسان‌ها نمی‌دانند چقدر زندگی آنان تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی محیط آن‌هاست و از این رو، تصور می‌کنند می‌توانند بدون درگیر شدن با این گونه مسائل و به اصطلاح بدون مشارکت عمومی، به زندگی مطابق سلیقه خویش ادامه دهند. در حالی که، اگر اندکی تأمل کنند به خوبی درخواهند یافت که افزایش کارآمدی نظام سیاسی و اجتماعی اسلام به میزان مشارکت آنان وابسته است.

اگر افراد بدانند که به چه میزان محیط فرهنگی یک جامعه در شکل‌گیری شخصیت آنان و فرزندانشان مؤثر است، قطعاً به مشارکت فعالانه عمومی و ساختن محیط اطراف خویش همت خواهند گماشت.

بنابراین، اگر افراد جامعه و عموم مردم به توان، استعداد، و نقش خویش در ساختن جامعه اسلامی آگاهی داشته باشند و از میزان اثرگذاری عوامل و محیط فرهنگی در زندگی خود و خانواده خود و نیز از هزینه‌های عدم مشارکت خود و از فواید مشارکت خود در رشد و توسعه و بهبود زندگی فردی و اجتماعی

خویش، آگاه شوند، البته احساس نیاز به مشارکت خواهند نمود و آگاهانه و با رضایت خاطر وارد عرصه مشارکت ملی و عمومی برای عمران و آبادی کشور خود خواهند شد. (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

### ۳-۱-۲- مشارکت ارادی و اختیاری

از جمله عوامل افزایش انسجام و مشارکت عمومی، مشارکت آزادانه، آگاهانه و از روی اختیار مردمی است؛ بدین معنا که در هر کاری مردم احساس کنند از سوی حاکمیت برای انجام کاری تحت فشار قرار دارند، با اشتیاق و انگیزه دست به فعالیت نمی زنند. مطالعات مختلف نشان می دهد مشارکت هایی که توأم با جبر و اجبار و در شرایط مصنوعی صورت می گیرند، هرگز شیوه مناسبی برای انجام فعالیت ها نخواهند بود و دوام چندانی هم نخواهند داشت.

آن گاه که ارتباط مردم و حاکمیت، نزدیک و صمیمانه باشد، نیازی به تحمیل، جبر و اجبار برای همکاری نیست. مردم آن گاه که احساس کنند حاکمیت برای انجام پروژه و یا طرحی ملی نیازمند کمک، مساعدت و مشارکت مردمی است، خود با شوق و اشتیاق در این مهم کمک خواهند کرد.

بنابراین، از جمله راهکارهای افزایش مشارکت عمومی در جامعه اسلامی، حذف فاصله و شکاف میان حاکمیت و مردم است. مردم وقتی احساس کنند که بین آنان و حاکمیت فاصله ای نیست و حاکمیت را از آن خود تلقی کنند، آگاهانه و آزادانه و از روی اختیار و با میل و اشتیاق در توسعه ملی مشارکت همگانی و فعال خواهند داشت. روشن است فعالیت هایی که از روی جبر، اجبار و اکراه صورت گیرند، هرگز در بلندمدت دوام نخواهند آورد.

برای مثال، سازمان و یا اداره ای که با کمک و همیاری و مشارکت مردم اداره می شود، در صورتی که مردم در این مشارکت احساس جبر کنند و کمک های مردمی بدون میل و اراده آنان دریافت شود، چنین کمک هایی هر چند ممکن است در کوتاه مدت دوام یابد ولی در بلندمدت هرگز دوام نخواهد داشت و به محض از بین رفتن فشار، کمک ها و مشارکت مردمی متوقف خواهد شد. از این رو، از جمله راهکارهای افزایش مشارکت، اجتناب از تحمیل و فشار در جلب مشارکت مردمی است. (فصلنامه معرفت، ش ۱۳۸۴، ۹۰، ص ۹۱).

### ۳-۱-۳- تغییر نگرش مردم نسبت به حاکمیت در نظام مردم سالاری دینی

معمولاً در فرهنگ های سیاسی مشرق زمین به دلیل شکاف و فاصله میان حاکمیت و مردم و به دلیل وابستگی حکام این کشورها به بیگانگان، مردم دیدگاه چندان مثبتی نسبت به حاکمیت ندارند. در ایران نیز به دلیل اینکه سالیان متمادی نظام های سیاسی پیش از انقلاب وابسته به بیگانگان بودند، مردم چندان نسبت به سیاست مداران روی خوش نشان نمی دادند. ولی پس از انقلاب، این شکاف و فاصله برداشته شده است.

بنابراین، در نظام مردم سالاری دینی باید حاکمان، خادمان مردم باشند و مردم را در توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صاحب رأی و نظر بدانند و همواره عملکرد خویش را از منظر مردم ارزیابی نمایند تا بدین سان هم کارآمدی خویش را افزایش داده و هم با بهره گیری از مشارکت عمومی به توسعه و آبادانی کشور در پرتو نیروهای فعال و جوان پردازند و هم فاصله خویش و مردم را کمتر نموده و سرانجام، ذهنیت و نوع نگرش مردم را نسبت به حاکمیت تغییر دهند، تا زمینه افزایش مشارکت عمومی بیش از پیش فراهم شود. (نشریه حصون، ش ۶، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶).

### ۳-۱-۴- باورکردن مردم

از جمله آفت های بزرگ نظام های سیاسی، عدم باور مردم از سوی مسئولان نظام و عدم اعتماد و اطمینان به ظرفیت های بالقوه و بالفعل مردم برای توسعه و آبادانی کشور است. این موضع آمرانه و اقتدارگرایانه، که حاکمان خود را از جنس دیگر پنداشته، مردم را هیچ به حساب نمی آورند و معتقدند که مردم توان و قدرت فهم و تشخیص درست نیازهای خود را ندارند، مانع بزرگ در جلب مشارکت عمومی است. این گونه موضع گیری های اقتدارگرایانه موجب دلسردی مردم از نظام و حاکمیت و شکاف و فاصله آنان از حاکمان خواهد شد و در بلندمدت مشارکت عمومی را در طرح های ملی و همیاری متقابل آنان را در اجرای طرح ها و پروژه های ملی به شدت کاهش می دهد.

از این رو، شایسته است که حاکمان مردم را باور کرده، از قدرت، مهارت، تخصص، نیروی فعال، پرانرژی و جوان آنان در مشارکت عمومی بهره بگیرند تا بدین سان، زمینه جلب رضایت عمومی و مشارکت مردمی فراهم آید. (نشریه حصون، ش ۶، بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ های ۸۲/۸/۱۱ و ۸۱/۸/۲۰، ۱۶۸).

### ۳-۱-۵- بسیج منابع

مقوله منابع در حوزه جامعه شناسی به منابع انسانی، امکانات و تجهیزات مادی اطلاق می شود. حاکمان برای جلب رضایت عمومی و افزایش اعتماد سیاسی و در نتیجه، جلب مشارکت عمومی باید از همه امکانات، ظرفیت های مادی و انسانی بهره گیرند. در واقع، با بسیج منابع و ظرفیت های انسانی و مادی می توان اقدام به افزایش مشارکت عمومی نمود. بهترین و کارآمدترین شیوه بسیج منابع، به کارگیری نیروهای کارآمد و جوان در عرصه های گوناگون جامعه است.

علاوه بر این، مشارکت مردم در عرصه های مختلف جامعه و بهره گیری از رأی، فکر و نظر شهروندان از جمله ملاک های مردمی بودن نظام و پشتوانه مردمی داشتن نظام های سیاسی محسوب می شود. به عبارت دیگر، این تنها نظام های مردمی هستند که به راحتی می توانند اقدام به بسیج منابع انسانی نمایند. در واقع، نظام های سیاسی که پشتوانه مردمی دارند، قادرند در کوتاه ترین زمان ممکن و با کم ترین هزینه،

اقدام به بسیج منابع انسانی و همه امکانات و تجهیزات بالفعل و بالقوه نمایند. از این رو، در چنین نظام هایی مشارکت عمومی بالاست .

از میان انواع مشارکت ها، مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی، به ویژه نوع مشارکت انتخاباتی به عنوان پستوانه مردمی نظام های سیاسی جایگاه ویژه ای دارد . اهمیت و جایگاه مشارکت انتخاباتی به گونه ای است که محور مشارکت سیاسی محسوب می شود؛ چرا که انتخابات محور اصلی فعالیت های احزاب و گروه های سیاسی است. در واقع، حاکمیت باید با بسیج منابع و میدان دادن به همه گروه های سیاسی و احزاب، مردم را به عنوان منابع انسانی بسیج نموده و آنان را وارد عرصه های انتخاباتی نماید تا بدین سان مشارکت عمومی افزایش یابد.

### ۳-۱-۶- محوریت رهبری

محور وفاق اجتماعی و مشارکت عمومی، در حکومت دینی رهبری است. رهبری نظام اسلامی در هدایت و تربیت معنوی نقش اساسی، بی بدیل و محوری بازی می کند . رهبری در حکومت اسلامی صرفاً رهبری سیاسی نیست، بلکه رهبری دینی است که علاوه بر مشروعیت بخشی به نهادهای زیرمجموعه نظام و حاکمیت دینی، هدایت معنوی مردم را نیز بر عهده دارد. رهبری در نظام اسلامی محور و نقطه اتکاء و تکیه گاه امت اسلام محسوب می شود.

مردم با لبیک به ندای رهبری در فراخوان های عمومی و مشارکت فعال در تصمیم گیری های عمومی و تبعیت از رهبری دینی و سیاسی خویش، نقش بی نظیری در افزایش مشارکت عمومی ایفاء خواهند نمود . مسئولان و دست اندرکاران نظام اسلامی نیز با الگو گرفتن از رهبری نظام و محور قرار دادن ایشان، در انسجام و هماهنگی بیش تر نظام می توانند نقش آفرینی کنند. (نشریه حصون، ۱۳۸۴، ش ۶، ص ۱۷۰).

### ۳-۱-۷- خدمت صادقانه مسئولان به مردم

از دیگر راهکارهای افزایش مشارکت عمومی در نظام اسلامی، خدمت صادقانه به مردم است. هر چند افزایش مشارکت عمومی، منحصر به مسئولان و نهادهای رسمی و غیررسمی و مردمی نیست، اما عمق و شدت آن، که با حسن تعلّق گروهی و با احساس شدید و مثبت عاطفی بیشتری همراه می باشد، در نهادهای دولتی فزون تر است. هر چند مسئولان بسان مردم وظیفه متقابل و همسانی در تقویت همنوایی، وظیفه شناسی و خدمت دارند، اما از آن رو که مسئولان نقش هدایت کنندگی و جریان دهی به امور جاری و روزانه مردم را دارند، باید در خدمت رسانی به مردم و همنوایی بیشتر و رابطه گرم و صمیمی با مردم پیش قدم باشند؛ چرا که خدمت صادقانه به مردم علی رغم کمبود امکانات، اعتماد و رضایت عمومی را جلب می کند و زمینه ساز افزایش مشارکت عمومی در جامعه اسلامی است. اگر مردمی احساس کنند که مسئولانشان

خادم آنانند و برای خدمت به مردم از جان مایه گذاشته، از یکدیگر سبقت می گیرند، احساس وظیفه متقابل نموده و در بازسازی، سازندگی و فراخوان های عمومی مشارکت فعال تری خواهند داشت. (نشریه حصون، ش ۱۳۸۴، ۶، ص ۱۷۱).

### ۳-۱-۸- تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه اسلامی

دین یکی از مؤلفه های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش های اجتماعی و سیاسی در نظام اسلامی می باشد. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در جهان اسلام انکارناپذیر است.

ابن خلدون، جامعه شناس بزرگ اسلامی درباره نقش دین در مشارکت می گوید: «دین در بین نیروها وحدت می آفریند، رقابت ها را از بین می برد و به افراد روحیه ایثار می دهد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت های وسیع می انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل پرستی و ... به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می گردد».

از این رو یکی از اهداف استعمارگران در سکولاریزه کردن جوامع مسلمان، بی تفاوت ساختن آنان در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه سازی برای تسلط آسان بر این جوامع است، چرا که دین اسلام جامع امور دنیوی، سیاسی و معنوی است و انگیزه مهمی در تقویت مشارکت مسلمانان می باشد.

ولی سکولاریسم قائل به این است که دین با سیاست ارتباطی ندارد و در پی بی تحرک کردن توده های جامعه و مسلمانان است (دین افیون توده هاست). و با این عقیده به دنبال این است که مسلمانان تنها به عبادت بپردازند و از مسائل و امور اجتماعی و سیاسی غافل بمانند.

بنابراین با تبیین صحیح جایگاه دین و مبانی دینی در جامعه و جلوگیری از افکار انحرافی می توان مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی را بالا برد، چرا که دین واقعی، طالب مشارکت عمومی است. به عبارتی دین واقعی ذاتاً مشارکت جو است. (ملکوتیان، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

### ۳-۱-۹- جلوگیری از تسلط گروه های ذی نفوذ

مشارکت عمومی به طور طبیعی قدرت تصمیم گیری را توزیع می کند و آن را از انحصار گروهی خاص بیرون می آورد. در چنین شرایطی آنان که قدرت فائده در تصمیم گیری دارند، نمی توانند از آن خشنود باشند. از این رو با روشهای مختلف به عدم تحقق مشارکت عمومی کمک می کنند. شبهات دینی، اشکالات سیاسی، اقتصادی چیزی جز تخریب و بی اعتبار ساختن این نوع فعالیت ها نیست که همه آنها به انگیزه بیرون راندن عموم مردم از صحنه فعالیت های سیاسی و اقتصادی و ... انجام می گیرد.

بنابراین در نظام اسلامی با جلوگیری از تسلط این گروه‌ها بر ارکان سیاسی و اقتصادی جامعه و حفظ عدالت اجتماعی می‌توان عموم مردم را به مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ترغیب کرد. (بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۲).

### ۳-۱-۱۰- رقابت سیاسی سالم

یکی از شاخصه‌های نظام توسعه یافته اسلامی مشارکت سیاسی است. توسعه سیاسی وقتی حاصل می‌شود که در درون نهادهای سیاسی مستقر، مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد. وجود چنین نظامی طبعاً مستلزم این است که تنوع علایق و منافع فکری و اجتماعی و اقتصادی در جامعه حفظ شود و مردم بتوانند به صورت فردی یا جمعی خواست‌های خود را بیان کنند و وسایلی برای بیان این خواست‌ها وجود داشته باشد. (همان، ۱۳۷۸، ص ۲).

بنابراین وجود رقابت سیاسی و ایدئولوژیک و مشارکت سازمان یافته، نهادمند و گسترده از ویژگی‌های اصلی نظام سیاسی توسعه یافته است. وجود رقابت سیاسی و ایدئولوژیک مهم‌تر از مشارکت سیاسی و خود در واقع متضمن آن است. حال آن‌که صرف وجود مشارکت سیاسی متضمن وجود رقابت سیاسی نیست. (همان، ۱۳۷۸، ص ۴).

### ۳-۱-۱۱- فقر زدایی

عدالت اجتماعی و اقتصادی و فقرزدایی، محورهای مهمی هستند که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای دارد. قرآن کریم عدالت اجتماعی و اقتصادی را هدف اجتماعی بعثت پیامبران الهی می‌داند. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است. (حدید/۲۵). (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

### ۳-۱-۱۲- رسانه‌های جمعی و زمینه‌سازی آن‌ها

رسانه‌ها نوعی حلقه رابط در جامعه هستند که در دنیای امروزی نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کنند. یکی از کارکردهای رسانه‌ها ایجاد همبستگی اجتماعی و تأثیر در مشارکت عمومی جامعه است. رسانه‌ها در

جامعه با وجود تفاوت‌ها و اختلافات، تضادهای را از بین می‌برند و به همبستگی یا یکسان‌سازی جامعه کمک می‌کنند.

بنابراین، رسانه‌ها به طرق مختلف عامه مردم را به مشارکت عمومی دعوت می‌کنند، که عبارتند از: تبلیغ و ترغیب، ایجاد انگیزه، اطلاع‌رسانی، بیان دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و روایات اسلامی در مورد مشارکت و شورا، ایجاد عزم ملی، رفع شبهات و .... (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

### ۳-۲- آثار و پیامدهای مشارکت عمومی در نظام اسلامی

مشارکت عمومی آثار، نتایج و پیامدهای بسیاری دارد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

#### ۳-۲-۱- کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی

از جمله مهم‌ترین پیامدهای مشارکت عمومی را می‌توان ارتقاء کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی قلمداد کرد.

در نظام‌های سیاسی با پشتوانه مردمی که وفاق و مشارکت عمومی، بالاست، مردم حامی واقعی نظام هستند؛ زیرا آنان نظام را متعلق به خود می‌دانند و در مشکلات و بحران‌ها به کمک نظام می‌شتابند. از این رو، چنین نظامی کارآمد و با ثبات می‌باشد. چراکه این امر لازمه هر نظام مردمی و پویاست.

هر نظام دارای اجزایی است و برای هر جزء وظایفی در نظر گرفته شده است که در تحقق وظایف خویش باید نقش آفرینی کنند. به عبارت دیگر، مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌های یک نظام هر یک برای تحقق هدف واحد، که اعتلاء، رشد و تعالی نظام می‌باشد تلاش می‌کنند. اگر هر یک از اجزا به وظیفه خویش عمل کند و در تحقق اهداف موردنظر تلاش نماید، چنین نظام را کارآمد و با ثبات می‌نامیم؛ یعنی نظامی که هیچ‌گونه اختلال در آن به چشم نمی‌خورد. در حالی که، اگر یکی از اجزاء به وظیفه خویش عمل نکند، این امر به دلیل وابستگی شدید اجزاء، موجب ناکارآمدی و اختلال در نظام می‌شود.

علل و عوامل زیادی در کارآمدی نظام مؤثرند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

#### الف. هماهنگی میان اجزا:

اگر اجزا و قوا و نهادهای زیرمجموعه یک نظام ناهمسو، ناهماهنگ، ناکارآمد و بی‌ربط باشند، قطعاً نظام سیاسی را دچار بحران و اختلال شدید و ناکارآمد خواهد نمود. نظامی که مردم از حاکمیت فاصله دارند و آن را قبول ندارند، قوه مجریه دائم با قوه مقننه در نزاع سیاسی است و قوه مقننه با قوه قضائیه اختلاف شدید سلیقه دارد، لایه‌های زیرین نظام نیز از ناهماهنگی و ناهمسویی رنج می‌برند؛ چنین نظامی ناکارآمد است.



اما اگر نظامی که مردم حاکمان را از خود می دانند، روابط صمیمانه با آنان دارند، اجزای نظام، قوای سه گانه و لایه های زیرین با همدلی، همسویی و هماهنگی به مردم خدمت می کنند، مردم نیز در فراخوان های عمومی همچون انتخابات، بازسازی شهرها، هنگام بحران ها (همچون سیل و زلزله و...) شرکت فعال داشته و با بسیج عمومی به کمک حاکمیت و دولت خواهند شتافت و با مشارکت عمومی به رفع معضلات و مشکلات جامعه خواهند پرداخت. چنین نظامی البته کارآمد و با ثبات می باشد.

### ب. تناسب بین اجزای نظام:

از دیگر عوامل کارآمدی نظام سیاسی، تناسب بین اجزاء، قوای سه گانه و زیرمجموعه های نظام می باشد که از لحاظ اهداف، رسالت و آرمان و نیز خط مشی فکری، جهان بینی و ایدئولوژی همسان و همگون باشند. اگر مجموعه عناصر و اجزای نظام از نظر اهداف و رسالت ها و خدمت به مردم ناهمگون باشند، عده ای به قصد خدمت به خلق خدا، گروهی با هدف چپاول و کسب سود و درآمد بیش تر و عده ای نیز با هدف نفوذ در بدنه نظام برای تضعیف آن به کار مشغول شوند، چنین نظامی به زودی از درون فرو خواهد ریخت و امکان توسعه و آبادانی کشور، دست کم در کوتاه مدت امکان پذیر نخواهد بود. نظام سیاسی ای مقتدر، کارآمد و با ثبات می باشد که عناصر درون نظام و اجزاء و بدنه قدرت از نوک هرم تا قاعده آن، همه و همه در خدمت نظام باشند.

### ج. مدیریت کارآمد:

از جمله دیگر عوامل کارآمدی یک نظام سیاسی، علاوه بر هماهنگی و تناسب میان اجزای آن، برخورداری از مدیریت کارآمد می باشد. وجود مدیران لایق، کارآمد، متعهد، پرتلاش و خدمتگزار موجب همسویی، هماهنگی و تناسب بیش تر بین اجزای نظام می شود.

از این رو، مردم باید در فراخوان های عمومی و در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس و مانند آن فعالانه شرکت نمایند و با دقت، وسواس و با مشارکت فعال و فراگیر با انتخاب مدیران کارآمد، در کارآمدی و تثبیت بیشتر نظام سیاسی خویش نقش آفرینی نمایند.

وظایف مدیران ارشد نیز تلاش مضاعف برای افزایش کارآمدی نظام در سطح بین المللی و داخلی و القای روحیه تعاون و همکاری و اعتلای نظام و حداکثر بهره وری از نهادها، سازمان ها و زیرمجموعه های خویش، هماهنگ سازی اجزای نظام، آسیب شناسی مستمر و رفع کاستی ها و مشکلات موجود، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی، با استفاده بهینه از امکانات و نیروهای موجود، و به کارگیری نیردهای متعهد و متخصص می باشد که زمینه ساز کارایی، کارآمدی، تثبیت، اعتبار و اقتدار نظام سیاسی در عرصه های بین المللی خواهد بود. (فصلنامه معرفت، ۱۳۸۴، ش ۹۰، ص ۹۴).

### ۳-۲-۲- تقویت روحیه تعاون و همکاری

تعاون، همکاری و همیاری اجتماعی از مهم ترین پیامدهای مشارکت عمومی در جامعه اسلامی است. اساس زندگی اجتماعی بر تعاون و همیاری پایه ریزی شده است و نظام بنیادین اسلام، قوانین اقتصادی و اجتماعی خود را بر اصل تعاون استوار کرده است.

از این رو، قرآن کریم برای تثبیت روحیه مشارکت عمومی، بر تقویت روح تعهد و عزم عمومی تشویق نموده، می فرماید: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده/۲).

امام صادق (علیه السلام) در وصف شیعیان می فرماید: «هم البررة بالاخوان فی حال العسر والیسر المؤثرون علی انفسهم فی حال العسر». آنان کسانی هستند که در روزگار سختی و آسایش به برادران نیکی می کنند و در سختی و تنگدستی دیگران را بر خود ترجیح می دهند. (بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۵۰).

حضرت علی (ع)، همه مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و همچون نیاز انسان به اعضاء و جوارح خویش معرفی می کند و می فرماید: لا تدع الله ان یغنیک عن الناس فان حاجات الناس بعضهم الی بعض متصله کالاتصال الاعضاء فمتی یستغنی المرء عن یده او رجله». از خداوند نخواه که تو را از مردم بی نیاز کند؛ زیرا انسان ها همچون اعضای بدن به یکدیگر وابسته اند، چه وقت انسان از دستش یا پایش بی نیاز می شود؟ (نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ص ۳۲۲).

اگر در جامعه اسلامی روحیه تعاون و همیاری و همکاری تقویت شود و به اصطلاح، در لایه های زیرین جامعه این همکاری و همیاری به هموعان خویش نهادینه شود، شاهد جامعه ای یکدست، یک رنگ، منسجم خواهیم بود که کمتر افراد جامعه احساس رنج، درد و گرفتاری فردی و اجتماعی می کنند؛ چرا که بی تردید کسی که در سطح خانواده و اجتماع به رفع گرفتاری های مردم، خدمت به ایشان و هموعان و در سطح کلان تر مشارکت عمومی می پردازد، علاوه بر زندگی مسالمت آمیز و تقویت روحیه تعاون و همکاری، کمتر شاهد تنگدستی و فقر و گرفتاری فردی و اجتماعی خواهد بود. (نشریه حصون، ۱۳۸۴، ش ۶، ص ۱۷۱).

### ۳-۲-۳- دشمن ستیزی و دشمن زدایی

از دیگر پیامدهای مشارکت عمومی، دشمن ستیزی است. جامعه ای که دارای وحدت، انسجام و وفاق اجتماعی است و با همدلی و وفاق به هموعان خویش کمک کرده و همواره حضوری فعال در صحنه های فردی و اجتماعی دارد، دشمن جرأت نفوذ در چنین جامعه ای را ندارد؛ چرا که نه با یک حکومت که با یک ملت باید مبارزه کند. وحدت و همدلی در جامعه اسلامی اکسیری است که دشمن را در توطئه های خویش

بر علیه یک ملت و نظام اسلامی ناکام می گذارد. همواره دشمن از اختلافات، تردیدها، درگیری ها و چند دستگی ها سود می برد. (نشریه حصون، ۱۳۸۴، ش ۶، ص ۱۷۲).

### ۳-۲-۴- آبادانی و امنیت اجتماعی

یکی دیگر از پیامدها و نتایج مشارکت عمومی، وجود امکانات بالقوه و بالفعل و منابع انسانی و مادی فراوان و آماده برای آبادانی و توسعه کشور، و نیز حضور فعال مردم در صحنه های اجتماعی و عرصه های فرهنگی و امنیت پایدار اجتماعی است. این مهم نیز مورد تأکید منابع دینی و آیات و روایات می باشد، به گونه ای که خدمت رسانی مسئولان به مردم و کمک و همیاری و صرف مال در راه اصلاح جامعه و رفاه عمومی و دستگیری از نیازمندان و رسیدگی به امور عام المنفعه و رسیدگی به خویشان، محرومان و بیچارگان علاوه بر اینکه موجب آبادانی کشور و بهبود وضع عمومی جامعه می شود، نزول برکات و عنایات الهی را در برخواهد داشت. (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷، ص ۶۱۴).

قرآن کریم نیز وعده فرموده کسانی که به هموعان خویش کمک می کنند، آینده ای پر قدرت و همراه با امنیت برایشان آماده سازد. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، هم چنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را که خود برایشان پسندیده است، استوار سازد. و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند. و آن ها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند. (نور/۵۵).

### ۳-۲-۵- استقلال و عزت اسلامی

در پرتو مشارکت عمومی، استقلال و عزت اسلامی برای امت اسلامی به ارمغان خواهد آمد. جامعه اسلامی در صورت وحدت، همبستگی، انسجام و وفاق و پای بندی کامل به اصول و ارزش های دینی و تحمل مشکلات، موانع را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته، به عزت اسلامی که همانا مخصوص مؤمنان و اولیای الهی است نایل خواهد آمد. وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ. عزت مخصوص خدا و رسولش و مؤمنان است، ولی منافقان نمی دانند. (منافقون/۸).

به تعبیر قرآن، حداقل نتیجه و پیامد مشارکت عمومی، حل معضلات جامعه اسلامی، استقامت و صبر و تحمل در برابر مشکلات فردی و اجتماعی، سربلندی و عزت جامعه اسلامی است.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. و هرگز (در برابر) دشمن سستی نکنید و اندوهناک نباشید؛ زیرا شما بلند مرتبه ترین مردم هستید به شرط آنکه در ایمان ثابت و استوار باشید. (آل عمران/۱۳۹).

## فصل چهارم:

مشارکت عمومی در نظام اسلامی با

تأکید بر آراء و اندیشه های سیاسی،

اجتماعی امام خمینی (ره)

## مقدمه

در اندیشه و سیره‌ی امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، مشارکت عمومی به عنوان یک مسئله‌ی اصلی، اساسی و تعیین‌کننده در حوزه‌ی تعیین سرنوشت مشترک و عمومی مورد توجه و عنایت کامل قرار گرفته است. ایشان، با توجه به بنیان‌های اسلامی، نگرش سیاسی خود و به پیروی از پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان راستین او که بیعت را راه ورود مردم به سیاست و مشارکت در تعیین سرنوشت خود می‌دانستند، بارها ضمن توجه دادن دست اندرکاران نظام اسلامی به اصل مشارکت عمومی، بر ضرورت ورود عموم مردم در صحنه‌ی سیاست و تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه در قالب نهادهای حکومتی تأکید کرده و آن را به عنوان بزرگ‌ترین عامل ثبات حکومت اسلامی و ضامن حفظ امنیت در جامعه اسلامی معرفی می‌نمودند.

برای نمونه ایشان تأکید دارند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود». (صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۸).

## ۴-۱- مشارکت سیاسی اجتماعی مردم در نظام اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

مشارکت مورد نظر امام خمینی (ره)، مشارکتی همه‌جانبه و در تمام ابعاد و از سوی همه‌ی مردم جامعه است که ایشان از آن، تحت عنوان مشارکت کامل همه‌ی مردم یاد می‌کنند و اصلاحات جامعه، تأمین استقلال مملکت و آزادی مردم را در سایه‌ی آن می‌دانند:

«اساس کار یک جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت ما و اصلاحات لازم است. این اصلاحات با مشارکت کامل همه‌ی مردم خواهد بود.» (صحیفه‌ی امام، ج ۵، ص ۱۵۵).

بنابراین در نگاه حضرت امام (ره)، مشارکت عمومی در نظام سیاسی اجتماعی اسلام انحصار به گروه، طبقه، جناح یا صنف خاصی ندارد، جنسیت نمی‌شناسد و قومیت را مورد توجه قرار نمی‌دهد و به دین و نوع نگرش انسان‌ها نیز کاری ندارد؛ بلکه از نظر ایشان، همه‌ی مردم جامعه حق مشارکت در همه‌ی امور سیاسی خویش را خواهند داشت و در برابر چنین حقی، آن‌ها مکلف خواهند بود.

امام خمینی (ره)، در بیانی دیگر، از بین سه عامل اساسی که در پیروزی انقلاب و غلبه بر طاغوت نقش داشته است، یکی را مشارکت همه‌ی مردم می‌داند و آن را در کنار ایمان و اعتقاد به خدا و وحدت کلمه قرار می‌دهند و به وضوح مطرح می‌سازند:

«شما مردم شریف ایران... توانستید با اتکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها، بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرت‌ها را بلرزانید.» (صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۵۱۸).

به علاوه در برابر خطرات ناشی از عدم مشارکت سیاسی مردم، مسئول بودن تمام جامعه را مطرح می‌سازند. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۹، ص ۳۲۸). و در بیانی دیگر، تأکید بر مشارکت دادن مردم در امور، توسط حکومت دارند:

«مردم را در همه‌ی امور شرکت بدهیم... دولت عامل این‌ها (مردم) است، قوه‌ی قضائیه عامل این‌هاست، قوه‌ی اجرائیه عامل این‌هاست، قوه مقننه عامل این‌هاست، ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه‌ی امور...» (صحیفه‌ی امام، ج ۲۰، ص ۵۵).

آن چه مسلم است مهم‌ترین عامل در توفیق هر دولت، در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی، به کارآیی آن در جهت تحقق منافع ملی بستگی دارد که این خود مستلزم پذیرش و مشروعیت دولت نزد مردم است. دولت در مقام تجلی‌گاه و مظهر اراده‌ی ملی، باید کارآیی خود را در زمینه‌ی تأمین نیازهای بنیادین مصرح در قانون اساسی نشان دهد. در غیر این صورت، باید منتظر کاهش گرایش و اقبال مردم نسبت به دولت بود. حضرت امام خمینی (ره)، همواره بر این اصل که ملت بایستی از تمامی امور کشور، از جمله حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، مطلع باشند و در آن‌ها مشارکت کنند، تأکید داشتند. در این راستا بود که کنش «رأی دادن» به مثابه‌ی یکی از رفتارهای اولیه‌ی مشارکت سیاسی، در نظرگاه حضرت امام خمینی (ره)، از جایگاه مهمی برخوردار بود؛ زیرا ایشان، این عمل را نماد مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌دانستند. «انتخابات» به عنوان تجلی‌گاه مردم‌سالاری، از سازوکارهای قانونی و عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام (ره) است. ایشان سرنوشت کشور را وابسته به آن می‌دانستند. در بیانی امام (ره)، به این امر اشاره می‌کنند:

«مردم همه در انتخابات حاضر می‌شوند... برای اینکه مردم کشور را حالا از خودشان می‌دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ص ۶۰۵). یکی از بحث‌های مرتبط با افزایش بنیه‌ی امنیتی یک کشور ناظر به «کارآمدی» آن حکومت است. مطمئناً کشوری که بتواند در حوزه‌ی داخلی کارآمد باشد و بتواند ظرفیت‌ها و امتیازات و فرصت‌های مطلوبی برای رفاه بیشتر مردم تحت حاکمیت خویش فراهم سازد، از ضریب امنیت ملی بیشتری برخوردار است. (نصیری، ۱۳۷۹، ص ۷۱ و ۷۲).

امام خمینی (ره) مشارکت مردم را در جهت کارآمد ساختن حکومت یا عملکرد مطلوب آن مهم می‌دانند. حضرت امام خمینی (ره)، بیانات زیادی دارند که در آن‌ها به نقش کارآمدی مردم و موضوع مهم مشارکت عمومی اشاره می‌کنند. عموم صحبت‌های ایشان در بیان لزوم توجه مسئولان، به جایگاه حمایت مردمی در بقای حکومت بوده است؛ ولی این گونه عبارت‌ها در مقام بیان، حداکثر نقش شرعی مردم در حکومت نبوده است که برخی استنباط کنند منظور، نفی مشروعیت بخشی از ناحیه‌ی مردم است.

به عنوان نمونه، امام(ره)، می‌فرمایند: «توجّه دارند آقایان که تا ملت در کار نباشد، نه از دولت و نه از استانداران کاری بر نمی‌آید... از این جهت همه‌مان و شما آقایان همه و آن‌هایی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب کنید در همه‌ی امور...» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ص ۳۷۸ و ۳۷۹).

به طور کلی، مشارکت در نگاه امام خمینی(ره)، هم حق است و هم تکلیف و مسئولیت. بنابراین چون حق مردم است، مردم نسبت به تحقق آن مکلف هستند. چون هر حقی منوط به تحقق تکلیفی است و هر تکلیفی منوط به وجود حقی. این است که در بیانات ایشان، از مشارکت، هم به عنوان حق یاد شده است. (نظیر هر کسی، هر جمعیتی، هر اجتماعی حق اولیه‌اش این است که خودش انتخاب بکند) و هم به عنوان تکلیف که در عباراتی چون «وظیفه‌ی شرعی» یا مکلف بودن مردم، به آن اشاره کرده‌اند.

اگر بخواهیم به طور اجمالی عرصه‌های مشارکت عمومی در نظام اسلامی را در نظرگاه اندیشه‌های سیاسی اجتماعی امام(ره) برشماریم، موارد زیر مورد نظر ایشان بوده است:

- انتخابات.

- حفاظت و پاسداری از نظام سیاسی جامعه و حکومت.
- یاری در جهت حل مشکلات حکومت و نظام سیاسی.
- نظارت بر حکومت و نهادهای آن و برخورد با خطاها و تخلفات.
- تحقق اهداف، ارزش‌ها و محتوای اساسی حکومت اسلامی و به طور کلی، تحقق اسلام در جامعه.
- تعالی بخشیدن به اسلام و تحقق مقاصد این دین در جهان.
- مقابله و برخورد با نفوذ و تهاجم بیگانگان و وابستگان آن‌ها.
- خدمت به هم‌نوعان (سایر مردم).
- یاری مستضعفان در سرتاسر جهان، به ویژه جوامع اسلامی.
- پیشنهادها و انتقادهای سازنده از مسئولان امور جامعه.
- مشارکت‌های اقتصادی در جهت پیشبرد امور جامعه.

## ۴-۲- دیدگاه امام خمینی(ره)، درباره نقش مردم در حکومت اسلامی

امام خمینی(ره) با ایمان و اطمینانی که به مردم داشتند، به نقش مؤثر و تعیین کننده مردم در حکومت معتقد بودند و در این چند سال رهبری و هدایت امور، ایشان به این مهم اهتمام وافری داشتند لکن امام(ره) دموکراسی‌های غربی را که مدّعی حکومت مردم بر مردم بودند را از اساس قبول نداشتند و معتقد بودند که شیوه دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است. (صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۱۴).



دیدگاه امام خمینی(ره) درباره نقش مردم در حکومت اسلامی را می‌توان در قالب چند عنوان آن هم به اختصار مطرح نمود:

#### ۴-۲-۱- نقش مردم در تعیین سرنوشت کشور

امام خمینی(ره) جایگاه مردم در کشور را آن قدر مهم و اساسی می‌دانستند که حتی آنان با نقش حیاتی خود در تعیین سرنوشت کشور، می‌توانند آینده آن را رقم زنند. امام(ره) می‌فرمودند: «سرنوشت هر ملّتی به دست خویش است» و «هر ملّتی باید سرنوشت خودش را، خودش تعیین کند» و «امروز است که تمام ملّت در سرنوشت خودشان دخالت می‌کنند» (کلمات قصار امام خمینی، نشر آثار امام خمینی، ص ۱۲۰). زیرا «امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملّت است». (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۶ و ۷).

#### ۴-۲-۲- نقش و دخالت مسئولان مردم در اداره کشور

امام خمینی(ره) اعتقاد راسخی داشتند که: «مملکت باید با دست خود مردم، با دست خود اشخاص اداره بشود» (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۰). لذا درباره نقش و دخالت مسئولان مردم می‌فرمودند: «امروز مسئولیت به عهده ملّت است... باید همه بدانند که همه‌تان مسئولید»، (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۶ و ۷). «همه مردم و همه هم مسئول هستند» (صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۴). یعنی همه باید توجّه داشته باشند که با وجود مسئولیت قانونی و رسمی عده‌ای از افراد در اداره کشور، کسی نباید درباره اداره کشور بی توجّه باشد و از راه‌ها و طرق قانونی مردم نقش و دخالت مسئولان خود را ایفاء نموده و نسبت به اداره امور کشور بی تفاوت نباشد و حتی در صورت انحراف مردم وظیفه دارند ورود پیدا نمایند (وصیتنامه سیاسی الهی امام، ص ۱۵۸). و آن چه که مهم است این که بدانیم «یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملّتش بی تفاوت باشد». (کلمات قصار، ص ۱۲۲).

#### ۴-۲-۳- نقش نظارتی مردم در نظام اسلامی

امام خمینی(ره)، معتقد بودند که کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملّت آن بی تفاوت باشند و لذا، ملّت همه باید حاضر باشند در مسایل سیاسی، و با رشد و آگاهی بر امور نظارت نمایند. امام(ره) می‌فرمودند: «ملّت باید الآن همه شان ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسایل سیاسی، در مسایل اجتماعی، در مسایلی که عمل می‌کند دولت، ملّت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۶۰).

یعنی نظارت همگانی مردم می‌تواند کشور را از بسیاری از انحرافات مصون دارد زیرا این نظارت‌ها هم در انتخاب صحیح مردم می‌تواند مؤثر باشد و هم این که مسئولان نظام را در برابر مردم پاسخگو قرار دهد.

#### ۴-۲-۴- نقش مردم در حمایت و پشتیبانی از حکومت

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «پشتوانه یک حکومت ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد این حکومت نمی‌تواند درست بشود، این حکومت نمی‌تواند برقرار باشد». (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۳۰).

امام خمینی (ره) در جای دیگر خطاب به مردم اظهار می‌دارند که «مهم این است که شما (ملت) ایستاده باشید و قائم به امر باشید و حکومت را از خودتان جدا ندانید و ننشینید به این که همه کارها را باید حکومت بکند» همچنین ایشان معتقد بود که ملت تا در صحنه حاضرند این کشور آسیب نخواهد دید. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰۰).

بدین ترتیب با توجه به موارد فوق، در مجموع، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره مردم این است که ایشان درباره مردم نقش خاص و پر اهمیتی قائل هستند که از آن تنها نمی‌توان تعبیر به مردم داری کرد بلکه می‌توان گفت در نزد امام (ره) و دیدگاه ایشان در واقع مردم نقش فاعلی را در تحقق حکومت داشته و به عبارتی نقش آنان به گونه‌ای است که باید گفت اراده مردم در حکومت به شکلی تبلور یافته و خود را نشان می‌دهد و به قول حضرت امام (ره) با اراده ملت‌ها، اراده‌ای که تبع اراده خداست، اراده‌ای که برای خداست غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود» (کلمات قصار امام (ره)، ص ۱۲۱).

لذا نکته اساسی این است که با وجود این که مردم و نقش آنان در حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره)، نقش اساسی و خاص است ولی مشروعیت حکومت باید از ناحیه خدا بوده و در این حوزه، مردم به حکومت مشروعیت نمی‌دهند و به عبارتی باید گفت مشروعیت آن الهی است. لکن حکومت مشروع در عین حال با آرای مردم محقق می‌شود یعنی همان طوری که امام (ره) فرمودند: «تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین». (تبیان، دفتر ۳۹، ص ۹).

#### ۴-۳- درآمدی بر مبانی مشارکت عمومی در اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)

از جمله مسائل مهمی که نظراغلب تحلیلگران انقلاب اسلامی ایران رابه خود جلب کرده و ناظرین خارجی رابه حیرت انداخته بود، این واقعیت بود که چگونه در این انقلاب ناگهان عموم مردم از اقشار مختلف هماهنگ و هم زمان قیام کرده و همصدا خواستار تحوّل و تغییر اساسی، یعنی سقوط رژیم شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی شدند.

اگر به سایر انقلاب های بزرگ دنیا نظر افکنیم، پدیده ای به این وسعت و گستردگی مشاهده نمی کنیم. به عنوان مثال در انقلاب کبیر فرانسه ابتدا اشراف و سپس بورژواهای شهری قیام کردند و حکومت بوربون ها را سرنگون کردند و به همین دلیل آن انقلاب به انقلاب بورژواها معروف شد.

در انقلاب روسیه که به انقلاب بلشویکی معروف است، در حقیقت کارگران اعتصابی کارخانجات پتروگرا دبا همراهی گروهی از سربازان پادگان شهری که به کارگران پیوسته بودند، توانستند دولت تزاری را سرنگون کنند.

در چین نیز کشاورزان و دهقانان بودند که بخش اعظم مبارزات را از روستاها رهبری و هدایت کردند و به ثمر رساندند و به همین دلیل انقلاب چین به انقلاب کشاورزی- دهقانی معروف شد.

در حالی که در ایران به جرعه معدودی که وابستگی بسیار نزدیکی به رژیم شاه داشتند و منافع و بقای آنها بستگی به دوام آن رژیم داشت، همه اقشار و طبقات دیگر جامعه اعم از روحانیت، کشاورز، کارگر، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش آموزان شهری و روستایی و... اعم از زن و مرد در همه نقاط کشور هماهنگ و یکصد اقیام کردند و شعارهایی واحد می دادند.

به این ترتیب در ایران وحدتی ناگهانی بر پایه احساسات قوی مذهبی به وجود آمد. این احساسات پیرامون مسائلی شکل گرفت که سالها ملت از آنها در رنج بود، مسائلی مانند: سلطه و نفوذ بیگانگان، احساس تنگنا غارت و چپاول منابع و سرمایه های ملی، وابستگی در سیاست خارجی، نفوذ آشکار آمریکا و انگلیس در تصمیم گیریهای کلان مملکتی در همه زمینه ها، نابودی ارزشهای مذهبی اسلامی جامعه و سایر ناملایمات سیاسی اجتماعی.

البته اشاره به این نکته مهم است که مردم تنها چیزی را که در شعارهایشان مطرح نمی کردند، خواسته های مادی و اقتصادی بود. (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۱-۹۴).

لذا در مقایسه نقش قدرت اجتماعی و مشارکت عمومی در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران با انقلابهایی مانند: انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب روسیه، به جرأت می توان گفت، در فرانسه و روسیه میزان مشارکت مردمی در براندازی رژیمهای مستبد حاکم بسیار اندک بود. اما در انقلاب اسلامی ایران، به استثنای اقلیتی محدود و بخش اعظم ارتش که وابسته به شاه بودند، همه اقشار مردم از همه طبقات و گروههای اجتماعی در سراسر کشور در مقابل رژیم تادندان مسلح شاه با دست خالی ایستادند و آن را ساقط کردند.

مطالعات بعدی نیز نشان داد که بعد از پیروزی انقلاب های فرانسه و روسیه که زنجیرهای استبداد و دیکتاتوری گسسته شده بود و زمینه مناسب برای آگاهی سیاسی و مشارکت توده های مردم فراهم شده بود، به تدریج به علت بی میلی به حاکمیت های بعد از انقلاب، این مشارکت روبه کاهش نهاد.

اماتوده های ملت مسلمان ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در تمامی مراحل و عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع از تجاوزات دشمنان و... با مشارکتی حداکثری، حضور، بیداری و حمایت خویش از انقلاب اسلامی را به منصه ظهور گذاشتند. و در این مسیر مقدس از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده و با تقدیم هزارن شهید، تعهد استوار خود را به آرمان ها، اهداف و ارزش های مقدس انقلاب اسلامی به جهانیان نشان دادند.

لذا در ایجاد و شکل گیری و نیز استمرار قدرت اجتماعی و مشارکت عمومی در جمهوری اسلامی ایران همواره توجه به سه رکن اساسی نظام اسلامی یعنی: مردم، رهبری و ایدئولوژی برگرفته از مکتب انسان ساز اسلام را نباید از نظر دور داشت. (محمّدی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹).

#### ۴-۴- منشاء مشروعیت برای حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

در اندیشه و سیره ی امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، مشارکت عمومی به عنوان یک مسئله ی اصلی، اساسی و تعیین کننده در حوزه ی تعیین سرنوشت مشترک و عمومی مورد توجه و عنایت کامل قرار گرفته است. در مورد حکومت پیامبر (ص) و حضرت امیر (ع) و اعمال ولایت هایی که از سوی دیگران معصومین (ع)، صورت می پذیرفته بدون شک مبتنی بر مشروعیت الهی بوده چون که خداوند مالک حقیقی همه چیز است و بر طبق حکمت و مصلحت خویش و بانص و تصریح وحی الهی آنان را به سرپرستی جامعه اسلامی منصوب کرده است.

حضرت امام (ره) نیز در این باره می فرمایند: «اگر رسول اکرم (ص)، خلافت را عهده دار شده امر خدا بود، خدای تبارک و تعالی آن حضرت را خلیفه قرار داده است، بعد از آن هم خدای تعالی از راه وحی رسول اکرم (ص) را الزام کرده فوراً در وسط بیابان امر خلافت را ابلاغ کند.» (امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص ۵۹).

نکته دیگر این که در دیدگاه امام خمینی (ره)، ولایت عام فقیهان نیز به نص صریح معصومین (ع) که آنان نیز منصوب خداوند هستند تعیین گردیده است. لذا امام (ره) در فرازی به این موضوع اشاره می نمایند: «ولایت فقیه اگر در کار نباشد، طاغوت است. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور بانصب فقیه نباشد غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد طاغوتی است. طاغوت وقتی از بین می رود که به امر خدای تبارک و تعالی کسی نصب شود.» (صحیفه نور، جلد ۹، ص ۳۱).

بنابراین از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، منشاء مشروعیت حکومت و نظام اسلامی، مبتنی بر مشروعیت الهی است. اما در مقابل به فرمایشاتی از امام (ره) بر می خوریم که بیانگر مقبولیت مردمی نظام اسلامی است. به

عنوان مثال در فرازی می فرمایند: «شما (هیئت دولت) فکراین ملت، این زاغه نشین ها، فکراین مردمی که همه چیزشان را دادند و شمارابر مسند نشاندند، فکرا آنها را بکنید.» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۱۸۱).

در بعضی از موارد نیز امام (ره) ضمن عظیم دانستن حق مردم در حکومت، مشروعیت نظام را بر خواسته از آنان دانسته اند. بدین معنا که حکومت در نظام اسلامی گرچه مشروعیت الهی دارد، اما در کنار آن از مقبولیت مردمی نیز برخوردار است، یعنی مردم تابع ولی امر زمینه تحقق حاکمیت اسلامی را پدید می آورند. در بررسی اندیشه های سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، در زمینه نقش مشارکت عمومی در تعیین شکل حکومتی نظام اسلامی به مواردی بر می خوریم که ایشان تعیین شکل حکومت را به شرایط و مقتضیات جامعه واگذار کرده که آن هم توسط خود مردم تعیین می شود:

«ما خواهان یک حکومت اسلامی هستیم و آن حکومتی است که متکی به آراء عمومی است و شکل نهایی حکومت باتوجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین می شود.» (صحیفه نور، جلد ۲، ص ۱۶۳).

همچنین امام خمینی (ره)، در جواب خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا حکومت مورد نظرایشان باشکلی خلافت اسلامی انطباق دارد؟ به این مطلب اشاره می نمایند که جمهوری اسلامی مورد نظرایشان از سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) الگو گرفته است. «حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام گرفته است.» (صحیفه نور، جلد ۳، ص ۲۷).

حضرت امام خمینی (ره)، در مصاحبه بابی بی سی در جواب اینکه چه نوع حکومتی را جایگزین می کنید؟ حکومت جمهوری اسلامی را مطرح می فرمایند: «یک حکومت جمهوری اسلامی، اما جمهوری اسلامی، برای اینکه به آرای اکثریت مردم متکی است و اما اسلام برای این که قانون اساسی اش عبارت از قانون اسلام است.» (صحیفه نور، جلد ۲، ص ۵۰۳).

بنابراین از دیدگاه امام خمینی (ره)، نظام اسلامی از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی برخوردار است. لذا مقبولیت مردمی نظام اسلامی از مشارکت عمومی اقشار و طبقات سیاسی اجتماعی در تمامی شئون جامعه اسلامی ناشی می گردد.

## ۴-۵- مشارکت عمومی شرط ترمیم خرابی ها

«اولین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابی هایی است که به وسیله شاه که از عمال خارجی بود حاصل شده است و این میسر نیست الا به کمک کردن جمیع طبقات. من از جمیع طبقات ملت با کمال تواضع تقاضا دارم که در این مشروع اسلامی و در این مشروع ملی همه با هم کمک کنند، همه دست به دست هم بدهند اختلافات حزبی و مسلکی را کنار بگذارند، اختلافات قدیمی و جدید را کنار بگذارند ...

با صدای واحد، با ید واحد قیام کنند، قیام به امر مهمی که نجات دادن کشور است، نجات دادن این کشتی متزلزل است.» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۲، ص ۲۲۱؛ تبیان، دفتر پانزدهم، ص ۲۳۸).

طبق فرمایش امام ساختن و آباد کردن کشور که از زیر سلطه شاه رهایی پیدا کرده ممکن نیست مگر با مشارکت عمومی تمام اقشار ملت که بایستی برای نجات کشور تلاش کنند.

«باید به همت همه باشد یعنی یک قشر که نمی تواند بسازد، همان طور که این نهضت را اگر یک قشر می خواست که به آخر برساند، نمی شد، همه اقشار وقتی با هم شدند این سد شکسته شد از این جا به بعد هم باید همه اقشار با هم باشند تا بتوانند این بار را به آخر برسانند و این نهضت را به آخر، ... این روحیه باید محفوظ بماند که اگر خدای نخواست از دست برود و به شکست برگردیم، تا آخر دیگر ایران روی خوش به خو نخواهد دید بنابراین همه ما موظف هستیم که این نهضت را حفظ کنیم.»

امام(ره)، به حفظ و تقویت مشارکت عمومی اقشارملت در نظام اسلامی، پس از پیروزی انقلاب نیز تأکید کرده اند. از منظر امام خمینی (ره)، همان طور که قبل از پیروزی انقلاب همه اقشار مردم یک صدا با هم در همه مراحل شکل گیری و تثبیت نظام اسلامی، حضور داشتند و سرانجام نیز موفق شدند، بعد از پیروزی نیز، روح مشارکت عمومی در جامعه اسلامی باید به مراتب قوی تر و زنده تر باشد تا بتوان این نهضت را که با تحمل رنج و زحمت به دست آمده، حفظ کرد. (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۱۷؛ تبیان، دفتر پانزدهم، ص ۲۲۲).

#### ۴-۶- نقش مشارکت عمومی، درختی سازی توطئه های دشمنان و حفظ نظام اسلامی

امام خمینی(ره) معتقد بودند که باید به دور از تفرقه و با مشارکت عمومی دشمنان را در هم کوبید که اگر این کار صورت نگیرد، آن ها زودتر اقدام و بر ما غلبه می کنند و دیگر ما نمی توانیم کاری از پیش ببریم.

«بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با اعتصام به حبل الله در هم کوبند و نزاع های شخصی و گروهی را که جز از هوای نفس بر نمی خیزد و در صورت رشد همه را به تباهی می کشد و کشور را به خرابی سوق می دهد کنار گذارند و گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان، همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتمند، برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند.» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۷، ص ۱۰۹؛ تبیان، دفتر سی و چهارم، ص ۳۶).

«امروزی که همه با ما مخالفند، ما خودمان باید با هم باشیم، نمی گویم نیستیم که الان ... من در عین حالی که می گویم شما با هم هستید، می گویم بیشتر باشید، می گویم این را نگه اش دارید. امروز همه با

ما مخالفند، آنها همه تبلیغات را برای این می کنند که اختلاف ایجاد کنند. آنها ایادی شان در همه جا راه افتاده اند برای این که در ایران اختلاف ایجاد کنند. در حالی که کشور دشمنان بسیاری دارد، بهترین راه برای مقابله با نقشه های تفرقه افکنانه آنها، حفظ وحدت ملی و تقویت هرچه بیشتر آن است که باعث ناامیدی دشمنان و خشتی شدن توطئه های آنها می شود.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۵۲۹ ۵۲۸؛ تبیان، دفتر سی و چهارم، ص ۲۷).

«من با کمال تواضع دست خود را به سوی ملت نجیب ایران دراز می کنم، از روحانیون عظیم الشان تا خطبای ارجمند، از جوانان محترم حوزه های علمیه تا دانشجویان ... داخل و خارج کشور ایدهم الله تعالی و از همه صمیمانه و با عرض تشکر خواستارم که پیوستگی خود را حفظ و از مناقشات تفرقه انداز احتراز نمایند و با صدای واحد و ندای همگانی در راه استقلال کشور و قطع ایادی اجانب و عمال وابسته آنها کوشش کنند و با اتکاء به خدای متعال و احکام عدالت پرور اسلام همدست و همدستان شوند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۲).

«مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید. (آل عمران/۱۰۳). اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آن ها مقابله کند. لکن مع الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری های بیشتری داشته باشند.» (امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، ص ۳۶).

## ۴-۷- تأثیر مشارکت عمومی در افزایش قدرت سیاسی مسلمین جهان

امام خمینی (ره)، عقیده داشتند که مشارکت عمومی مسلمین جهان در عرصه های بین المللی، باعث عزت و قدرت جوامع اسلامی است. لذا، در وصیت به ملت ها و علمای کشورهای اسلامی فرموده اند:

«وصیت من به ملت های کشورهای اسلامی این است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است، کمک کند، خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می بخشد قیام کنید و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند. در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و اگر این برادری ایمانی با همّت دولت ها و ملت ها و با

تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می دهند.» (موثق، ۱۳۷۶، ص ۲۹۹، ۳۰۰).

اما، از دیدگاه حضرت امام (ره)، یکی از موانع این مشارکت دولت هایی هستند که بر کشورهای اسلامی حکومت می کنند:

«مشکل... مشکل دولت هاست با هم، چرا باید دولت های اسلامی با هم این طور باشند؟ چرا باید یک کشورهای که دارای همه چیز هستند و دارای همه جور قدرت هستند، اسرائیل با آن عده کم بیاید و بر آن ها این طور حکمفرمایی کند؟ چرا باید این طور باشد؟ جز این است که ملت ها از هم جدا و دولت ها از هم جدا و یک میلیارد جمعیت مسلمین با همه تجهیزات که دارند نشسته اند و اسرائیل آن جنایات را به لبنان می کند و به فلسطین می کند و آنها نشسته اند و تماشا می کنند؟ تماشاگر هستند؟ آن قدر صدای برادرهای ما از آن جا بلند است و ما گوش می کنیم و نشستیم تماشاگر هستیم. کی ما باید قدرت خودمان را بیابیم.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۰، ۲۰۹؛ تبیان، دفتر پانزدهم، ص ۲۱۳).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، این مشکل چند جنبه دارد: یکی مشکل وجود دولت های وابسته و خودکامه فی نفسه، دیگر مشکل اختلاف این دولت ها با یکدیگر در سطح جهان اسلام و سوئی که همانند جنبه دوم از مشکل اصلی ناشی می شود وجود جدایی و فاصله میان ملت ها و دولت ها می باشد که در مجموع به ضعف قدرت سیاسی مسلمین انجامیده است. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۸، ۲۷۶؛ تبیان، دفتر چهارم، ص ۱۳۶، ۱۳۵).

به عقیده امام خمینی برای درمان این مشکلات، باید حکومت های ظالم مسلط بر آن ها را ساقط کرده و به جای آن حکومت اسلامی تشکیل دهیم. ایشان، تشکیل حکومت، به ویژه حکومت اسلامی را برای نجات قلمرو اسلام لازم می دانستند. و در مورد تشکیل حکومت اسلامی فرموده اند:

«از طرفی وطن اسلام را استعمارگران و حکام مستبد و جاه طلب تجزیه کرده اند. امت اسلام را از هم جدا کرده و به صورت چندین ملت مجزا در آورده اند، ما برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت های دست نشانده آن ها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور آزادی ملت های مسلمان بایستی حکومت های ظالم و دست نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰، ۱۵۹).



#### ۴-۸- جایگاه مشارکت عمومی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مبانی دینی است، مشارکت عمومی امت اسلامی به عنوان یک اصل اساسی و زیربنایی مورد توجه جدی قرار گرفته و بر پیشگیری از اختلاف و تفرقه میان مذاهب اسلامی تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی، به مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحولات جامعه اشاره شده و قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در مراحل مختلف تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای افراد اجتماع فراهم ساخته است.

در اصل سوّم قانون اساسی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش و همچنین توسعه و تحکیم برادری اسلامی وزنده بودن روح مشارکت عمومی بین همه مردم، مورد تأکید قرار گرفته است. (فصلنامه معرفت، ش ۱۳۸۲، ۹۰، ص ۹۲).

#### ۴-۹- توصیه های راهبردی امام خمینی (ره)، پیرامون عوامل بستر ساز مشارکت عمومی

اهتمام به رشد و بالندگی جوامع اسلامی در سایه مشارکت عمومی، از جایگاه مهمی در اندیشه های سیاسی، اجتماعی امام خمینی (ره)، برخوردار بوده و به عنوان یک مسئله حیاتی در حوزه تعیین سرنوشت مشترک و عمومی در نظام اسلامی، همواره مورد توجه و عنایت کامل حضرت امام (ره)، قرار گرفته است. در این جا به بیان مواردی از توصیه های راهبردی ایشان، پیرامون عوامل بستر ساز مشارکت عمومی، می پردازیم:

#### ۴-۹-۱- حفظ ارزش های اسلامی و معنوی

امام خمینی (ره) مردم را به باقی بودن بر احیای احکام الهی، پایبندی به دین اسلام به عنوان یک امانت، و جهد و کوشش در راه معرفتی و ترویج مکتب اسلام فرا می خواندند و بر حفظ انقلاب درونی و تحول اخلاقی تأکید می نمودند. در این رابطه حضرت امام (ره)، بر حفظ روحیه صبر و تحمل بر اساس آیه شریفه "فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ". همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن. (هود/۱۱۲). به بقاء روحیه مقاومت، ایثارگری، فداکاری و شهادت طلبی و سلحشوری تأکید داشتند و معتقد به حفظ خط معنوی بودند که ملت به خاطر آن قیام کرد. ایشان ضمن تأکید بر فرهنگ ایثار و شهادت، صبر و استقامت انقلابی را در جهت حفظ دین مقدس اسلام و رفع مشکلات و کمبودها مورد توصیه قرار می دادند.

امام خمینی (ره) با استناد به آیه شریفه "إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ". اگر این خدایاری کنید، شمارا یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد. (محمد/۷). حفظ ارتباط با خدا و اتکال به ذات مقدس

حق را تا قطع مابقی ریشه های فساد ضروری می دانستند و تداوم روحیه اخلاص و انگیزه الهی، قبل از انقلاب بیرونی و تحوّل درونی را بالاترین پیروزی ها قلمداد می کردند .

از این رو، از جمله عوامل استمرار انقلاب از دیدگاه حضرت امام(ره)، حفظ ایمان به الله و توجه به ترجیح قدرت ایمان و اراده خداوندی بر قدرتهای مادی است که در این رهگذر ایشان بر حفظ مجالس عزاداری به عنوان عامل تشجیع مردم و تداوم راه نهضت تأکید داشتند.(صحیفه امام، ج ۸ ص ۸۹ و ۹۰، ج ۱۶ ص ۱۲۰، ج ۱۷ ص ۱۰۰، ج ۱۸ ص ۱۸۶، ج ۱۹ ص ۱۳، ۳۱، ۷۴).

#### ۴-۹-۲- حضور دائم مردم در صحنه

امام خمینی(ره)، بر اساس (حدیث شریف نبوی: "كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ." همه شما سرپرست (جامعه) و همه شما مسئول شهروندان هستید.(بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸). مسئولیت حفظ انقلاب را تکلیف همگانی می دانستند. (صحیفه امام، ج ۱۲ ص ۱۶۵). و معتقد بودند، مشارکت مردم و حضور دائم آنان در صحنه موجب افزایش درجه خلوص قدرت و استحکام انقلاب اسلامی می گردد. (صحیفه امام، ج ۱۳ ص ۳۱ و ج ۱۹ ص ۱۹۵). ایشان بر این اعتقاد بودند که همه اقشار و افراد جامعه باید بدون استثناء در مسائل جامعه شرکت و در امور مملکتی دخالت نمایند و همواره ناظر کارهای مسئولین مملکت خود باشند و اشتباهات آنان را گوشزد نمایند.

ایشان بقاء مردم انقلابی در صحنه را برای دفع توطئه های بیگانگان و نگهبانی از ثمرات انقلاب و خون شهیدان ضروری می دانستند و معتقد بودند وقتی انقلاب از متن مردم باشد نمی شود آن را شکست داد. (صحیفه امام، ج ۱۶ ص ۲۶، ۲۷، ۴۷). امام خمینی(ره) معتقد بودند، استقامت و حضور همیشگی مردم در صحنه مستلزم آگاهی و هوشیاری و بیداری ملت نسبت به عوامل ضد انقلاب و توطئه ها، شرارتها و مفسدات آنان می باشد.

ایشان بی تفاوتی را جایز نمی شمردند و معتقد به همّت عمومی در اصلاح امور و اراده قوی در سرکوب توطئه ها از سوی مردم انقلابی بودند و بدین گونه بر هوشیاری ملت جهت تصفیه مغرضین، جلوگیری از نفوذ بی دینان در صفوف مردم و عدم رخنه غیر معتقدان به اسلام در صفوف انقلابیون تأکید وافر داشتند.

بنابراین، امام خمینی(ره) معتقد بودند که برای حفظ انقلاب اسلامی و خنثی سازی دسیسه ها مردم ایران نبایستی از هیچ کوششی فروگذار نمایند و بایستی سعی کنند از جوسازان خدانشناس و متکبران بی اعتناء به اسلام تأثیر نپذیرند و از شایعه سازان مخالف مصالح عمومی انقلاب پیروی نمایند و به تبلیغات غرض آلود و دلسرد کننده دشمنان انقلاب و اسلام گوش فرا ندهند. امام خمینی(ره)، بر این اعتقاد بودند که روحیه

انسجام و مشارکت عمومی، مظهر حضور دائم مردم در صحنه، شرکت در راهپیمایی ها و حضور در مراکز آگاهی بخش و پایگاهها و کانونهای اصلی مبارزه است.

در این رابطه ایشان تأکیدی ویژه بر حضور در مساجد و شرکت گسترده مردم در نمازهای وحدت آفرین جمعه داشتند. زیرا از دیدگاه ایشان شرکت گسترده مردم در تظاهرات و راهپیماییها و برپایی نماز جمعه، باعث تفاهم و آگاهی ملت از مسائل سیاسی و دینی روز می شود. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۹، ۵۴، ۷۴، ۸۴ و ج ۶، ص ۲۲، ۲۸، ۲۷۱، ۱۶، ۲۰، ۲۱).

#### ۴-۹-۳- وفاداری متقابل ملت و مسئولان

امام خمینی (ره)، معتقد بودند که وجود دولت از واجبات حسبیه و وظیفه آن حفظ نظام و برقراری امنیت است. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۴).

نظر به اینکه در حکومت اسلامی دولت و ملت از یکدیگر جدا نیستند (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۱۵ و ج ۱۵، ص ۸۵)، و خلوص قدرت در این نظام در همبستگی میان مردم و حکومت متجلی است. امام (ره)، معتقد بودند که از یک سو لازم است مسئولان مملکتی با مردم و مسائل آنان شناخت و آشنایی کامل داشته باشند تا بهتر بتوانند به خدمتگزاری ملت اهتمام نمایند و از سوی دیگر ملت بایستی با پشتیبانی همه جانبه از دولت انقلابی، قدر نعمت عظیم انقلاب اسلامی را بدانند. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۳ و ج ۱۹، ص ۱۰۹ و ۲۴۱). بنابراین حضرت امام (ره) رابطه ای دو سویه میان ملت و دولت قائل بودند.

در این رابطه ضمن تأکید بر دست اندرکار بودن افراد متعهد در جمهوری اسلامی دولت را به انجام اقدامات در جهت جلب نظر ملت توصیه می نمودند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۸۲). چرا که معتقد بودند، کسانی می توانند برای مردم کوشش کنند که دارای انگیزه معنوی باشند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۵۴). از سوی دیگر، امام خمینی (ره) بر حفظ حیثیت و وجاهت ارگان های مختلف نزد مردم و پشتیبانی ملت از دولت و مجلس و سایر ارگان ها تأکیدی وافر داشتند، که از رهگذر وفاداری متقابل مردم و دست اندرکاران مملکتی، نهضت اسلامی تداوم و استمرار می یابد. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۳۵ و ۲۰۰).

#### ۴-۱۰- موانع مشارکت عمومی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

مشارکت عمومی می تواند مهم ترین هدف و اولویت یک نظام سیاسی را تشکیل دهد. این مقوله، امری مهم و حیاتی برای جامعه محسوب می شود. با توجه به این که امروزه قدرت سیاسی هر کشوری بیش از هر چیز به میزان مشارکت مردم در مسائل اجتماعی و سیاسی خود، به ویژه مشارکت در انتخابات، جنگ و... وابسته است، هرچه مشارکت مردم در این گونه مسائل بیشتر باشد، این امر بیانگر کارآمدی بیشتر نظام

است و بنا بر فرموده امام خمینی (ره)، «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۲).

از یک سو، مشارکت و حمایت مردمی از عوامل مهم تثبیت پایه های حاکمیت است و از سوی دیگر، بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت سیاسی خود از بزرگ ترین آفت ها و آسیب هایی است که می تواند پایه های نظام سیاسی را متزلزل سازد. رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره)، رمز موفقیت و کارآمدی دولت را برخورداری از مشارکت و حمایت همه جانبه همه اقشار مردم دانسته، و ابراز می دارند که دولت به تنهایی هرگز قادر نخواهد بود، به انجام همه وظایفش بپردازد. مگر این که مردم یاری اش کنند. (همان، ج ۶، ص ۵۲۹).

لذا، جهت تحقق این اهداف، توجّه داشتن به موانعی که مشارکت عمومی را در نظام اسلامی، تضعیف یا ناکارآمد جلوه می دهد، بسیار ضروری است تا با شناخت این موانع، اقدامات عملی مناسب جهت برطرف نمودن آن ها به عمل آورده و بر کارآمدی و تثبیت نظام اسلامی بیافزاییم. می توان عواملی که به عنوان موانع تحقق مشارکت عمومی به شمار می روند را این گونه بیان نمود:

#### ۴-۱۰-۱- توطئه دشمنان

حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می گویند: «... دست های اجنبی در کار می باشد تا دوباره ما را به وضع اولیه بر گرداند، تفرقه بین صفوف ایرانیان بیاندازد.» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶). و در جایی دیگر خاطر نشان می کنند: «از آغاز انقلاب تا کنون یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجّه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است، دور کردن مردم از صحنه های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمان های اجتماعی، سیاسی اسلام بوده است.» (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۳).

#### ۴-۱۰-۲- تشویش اذهان ملت

در انقلاب اسلامی فتنه گری ها گاهی فضای جامعه را چنان شبهه آلود می کند که حقیقت برای بسیاری مخفی می ماند، به خصوص در سال های اخیر برخی وابستگان به بیگانه، که عمدتاً از ریزش های انقلاب هستند، به شبهه آلود کردن فضای جامعه پرداخته و هر از چندگاهی با طرح شبهات اذهان جامعه را در تشویش حق و باطل دچار مشکل می نمایند. حداقل دستاورد این امر، مشتبه شدن حق و باطل است. به فرموده حضرت علی (ع): «راستی اگر باطل با حق مخلوط نمی شد، راه برای حق خواهان پنهان نمی ماند و اگر حق از وانمود شدن به باطل رهایی می داشت، زبان دشمنان از بدگویی باز می ماند. ولی چون قسمتی از حق و قسمتی از باطل گرفته می شود و در هم آمیخته می شود، این جاست که شیطان بر دوستان خود مسلط می شود.» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

حضرت آیت الله خامنه ای در این مورد می گویند:

«یکی از چیزهایی که این وحدت و مشارکت را خدشه دار می کند، مفاهیم مشتبهی است که دائماً به فضای ذهنی مردم تزریق می شود؛ هر کس هم به گونه ای معنا می کند؛ یک عده از این طرف، یک عده از آن طرف؛ جنجال و اختلاف غیر لازم تولید می شود! البته دشمن در همه این مسائل سود می برد و به احتمال زیاد در این مسائل یا در همه اش، یا در بعضی اش هم دست دارد». (پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۴۲).

رهبر معظم انقلاب در باب معیارهای شناخت خودی ها و غیرخودی ها می فرمایند: «خودی کیست؟ خودی آن است که دلش برای اسلام می تپد، دلش برای انقلاب می تپد، به امام ارادت دارد، برای مردم به صورت حقیقی نه ادعایی احترام قائل است. غیرخودی کیست؟ غیرخودی کسی است که دستورش را از بیگانه می گیرد. دلش برای بیگانه می تپد؟ دلش برای برگشتن آمریکا می تپد. غیرخودی آن کسی است که از اوایل انقلاب در فکر ایجاد رابطه دوستانه با آمریکا بود. به امام توهین می کرد. اما برای آمریکا اظهار علاقه می کرد. کسی به امام (ره) اهانت می کرد ناراحت نمی شد. اما اگر کسی به دشمنان بیرون از مرزها یا هم دستان آن ها اهانت می کرد، ناراحت می شد! این ها غریبه اند، اسمشان چیست؟ هر چه باشد هر کسی این طور باشد غریبه است». (مقام معظم رهبری، خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۵/۸).

#### ۴-۱۰-۳- هواهای نفسانی

یکی دیگر از عواملی که مانع بزرگ در مسیر تحقق مشارکت عمومی محسوب می شود، پیروی از هواهای نفسانی توسط بسیاری از انسان ها است. به تعبیر امام (ره): «اختلاف، ریشه اش از حب نفس است». (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۶). ایشان همچنین تأکید می کنند: «هر اختلاف و نزاعی شروع شود، از باطن خود انسان است و هر اتحاد و انسجامی که حاصل شود، از خداست». (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴).

#### ۴-۱۰-۴- اظهارات نسنجیده برخی نخبگان

حضرت آیت الله خامنه ای می گویند: «یکی از چیزهایی که وحدت ملی را تأمین می کند، این است که آن کسانی که سخنانشان در میان مردم، حوزه تأثیری دارد - یا مسئولند، یا چهره موجه دینی اند، چهره روحانی اند، چهره سیاسی اند، در اظهارات خودشان کاری نکنند که یک گروه و جناح از مردم، دل هایشان نسبت به دیگران چرکین شود؛ فتنه انگیزی نکنند». (پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۵۹).

#### ۴-۱۰-۵- گروه گرایی

یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت عمومی، گروه گرایی کاذب و بعضاً مضر، توسط برخی از افراد این مرز و بوم است. امام خمینی (ره) در این باره بیانی زیبا دارند: «اگر در این نظام، کسی یا گروهی خدای ناکرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آن که به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است... باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القاء بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید. لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۸).

همچنین، امام خمینی (ره)؛ در این مورد خاطر نشان می‌کنند: «همه قشرها به اسلام توجه بکنند، و این اختلافات و این مسائل که همه مضر برای کشور ماست، ... از این‌ها دست بر دارند، گروه گروه نشوند.» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۸۹). و در جایی دیگر نیز تأکید می‌کنند: «ای گروه‌های مختلف! اگر شما برای کشور خودتان دلسوز هستید و برای ملت خودتان دلسوز هستید، باید بدانید که این ایجاد گروه‌های مختلف برای ملت سم قاتل است... شماها اجتماع مسلمین را به هم می‌زنید و موجب تفرقه می‌شوید.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۰).

#### ۴-۱۰-۶- پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی شهروندان

یکی از موانع مشارکت عمومی ناآگاهی است، به گونه‌ای که قشر زیادی از جامعه نسبت به توان خود ناآگاه هستند. از آن جایی که در رژیم گذشته اکثریت بزرگی از جامعه در خارج از صحنه قرار داشتند و در هیچ تصمیم‌گیری مشارکت نمی‌کردند، به طور عملی به انزوا کشانده شده و ایمان به توان خویش را از دست داده بودند. عدم ایمان به توان خویش هنوز هم در قشر زیادی از جامعه وجود دارد. از طرفی یکی از دلایل شرکت فرد در امور سیاسی و اجتماعی پیوستن به جمعیتی است که به گونه‌ای آرزوها، ارزش‌ها، نارضایتی‌ها و برداشت‌های او را منعکس می‌کند. در دوره جوانی که فرد می‌خواهد هویت مستقلی در جامعه به دست آورد، پیوستن به گروه‌های سیاسی یا اجتماعی را برای این کار بر می‌گزیند. وابستگی‌ها و آگاهی‌های هر فرد به گونه‌های مختلف بروز می‌کند که پیوستن به گروه‌ها و هیأت‌های دلخواه، یکی از این روش‌هاست.

در این روند نقش آگاهی‌های عمومی در گسترش مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی غیرقابل انکار است. درجه آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع تغذیه اطلاعاتی رابطه‌ای مستقیم دارد. آگاهی‌های عمومی علاوه بر گسترش

مشارکت عمومی در سطوح مختلف جامعه اسلامی، افراد را در برابر تهاجم اخبار و تبلیغات بیگانه مقاوم‌تر می‌سازد.

بنابراین، می‌توان با گسترش عرضه مطالب و اطلاعات، برای آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی و دیدگاه اسلام درباره مشارکت عمومی از طریق رسانه‌های گروهی و همچنین تبلیغ احادیث اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در زمینه مشارکت عمومی، به افزایش مشارکت عمومی دامن زد. (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

## فصل پنجم:

# نتیجه گیری ، جمع بندی و پیشنهاد ها



## مقدمه

با توجه به آنچه گفته شد، به این موضوع باید توجه داشت که تمامی مسائل ملت و نظام اسلامی ما به هم مربوط است. هیچ کدام تافته ای جدا بافته از دیگری نیست. عدالت، قانون، وحدت، مشروعیت، مشارکت مردمی، رفاه، امنیت، پیشرفت و استقلال همه مقوله هایی است که از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و به هم وابسته اند. لذا چنانچه ناکارآمدی در یک نظام حکومتی وجود داشته باشد، عدالت، قانون، استقلال، وحدت ملی، امنیت و رفاه و... آسیب می بیند. اگر مشارکت عمومی از بین برود، ناکارآمدی نظام و به خطر افتادن استقلال کشور و تعدی دشمنان را به دنبال خواهد داشت.

اگر مشارکت مردمی در امور اجتماعی و سیاسی کمرنگ شود، مشروعیت و اقتدار حکومت از بین خواهد رفت. لذا تأثیر هر یک از مؤلفه های بالا بر همدیگر غیرقابل انکار است. شاید نتوان گفت که اهمیت کدام یک از این مقوله ها بالاتر از دیگری است، ولی آن چه می توان گفت این است که، نقش مشارکت عمومی مردم در امور خود، به خصوص تعیین سرنوشت خویش در دست یابی به مؤلفه های دیگر و از همه مهم تر، در رسیدن به عزت، سربلندی و پیشرفت نقشی بی بدیل و حائز اهمیت فراوان است. پس یکی از مؤلفه های اصلی مشارکت عمومی ما اعتقاد به خداست که وجه مشترک و اصلی پیوندهای اعتقادی، فکری و عاطفی ملت ایران است. ما ملتی مؤمن به خدا و آخرت هستیم.

اسلام دومین مؤلفه در راستای تقویت روح جمعی و مشارکت عمومی در جوامع اسلامی است. اسلام دارای چنان قدرتی است که بیش از یک قرن در ایران اساس، یگانگی و انسجام اجتماعی ملت ایران بوده است.

از دیگر مؤلفه های استمرار مشارکت عمومی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، که پس از انقلاب اسلامی تجلی کرد، ظهور رهبری مردمی و نیرومند، عالم، اسلام شناس، متقی، مدیر و مدبر و عادل بود که اصلی ترین ضامن بقاء، تداوم و استحکام مشارکت عمومی در نظام مردم سالاردینی است.

براین اساس، معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مشارکت عمومی آحاد و اقشار جامعه اسلامی را بدون استثناء در عموم تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های نظام اسلامی ضروری دانسته و آن را موجب قوام و استحکام حکومت مردم سالاردینی و تأمین امنیت نظام اسلامی بر شمرده و تمامی ملت ایران اسلامی، بلکه جهان اسلام را به این امر توصیه نموده اند. و همگان را به چالش ها و موانع مشارکت عمومی و اتحاد اسلامی توجه داده اند. و چنگ زدن به حبل... راتنها راه نجات مسلمین جهان از تمامی بدبختی ها و گرفتاری ها معرفی نموده اند.

## ۵-۱- نتایج و یافته های پژوهش

باتوجه به موضوع واهداف پژوهش بامحوریت اندیشه های سیاسی اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) وسیرمراحل تحقیق،مواردمشروحه ذیل رامی توان به عنوان نتایج و یافته های این پژوهش بیان نمود:

۱- بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

۲- برخی از صاحب نظران در تعریف و تحلیل مشارکت، از توسعه ملی فراتر رفته و نگرشی کلان بدان داشته اند. آنان مشارکت را به معنی «شرکت فعال انسان ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات دانسته اند.

۳- به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه هایی چون مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و... تقسیم بندی می کنند.البته بایدتوجه داشت، در اغلب موارد، تفکیک آن ها به دلیل مکمل یکدیگرواقع شدن امکان پذیرنیست.

۴- در نظام اجتماعی اسلام، مشارکت و همیاری و تعامل دو سویه مردم و حاکمیت در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی را مشارکت عمومی می گویند.

۵- در مشارکت عمومی دو عنصر مشارکت یعنی مشارکت کننده (مردم)، و موضوع مشارکت (حکومت دینی) هردو جایگاه ویژه خود را دارند و مردم به عنوان مشارکت کنندگان، ولی نعمتان موضوع مشارکت یعنی حکومت دینی هستند و دو عنصر مشروعیت و مقبولیت هم پای هم، باعث پویایی و زندگی مردم سالاری دینی می باشند.

۶- موضوع مشارکت جمعی وعمومی، درقرآن ازجایگاه ویژه ای برخورداراست، به گونه ای که درآیات قرآنی ضمن اشاره به مبانی کلامی وفقهی مشارکت عمومی، موضوعاتی مانند: همیاری وهمفکری اجتماعی،شورا،امربه معروف ونهی ازمنکر،اراده جمعی و اطاعت جمعی نیزبه عنوان مبانی مشارکت عمومی معرفی شده اند.

۷- در تفکر دینی ومتون اسلامی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و مقدرات خود را رقم می زنند. آنان می توانند با استفاده از حق تکوینی خود، بالاترین حقیقت و عالی ترین حقوق خود را در عرصه حکومت بپذیرند یا کنار گذارند. اما نباید از آن، فراگیری بی اندازه در مشارکت را نتیجه گرفت. با این تفاوت که مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام و مشارکت جمعی وسیله ای است برای رسیدن به اهداف و

آرمان‌های وحیانی، در حالی که در غرب این وسیله، ضد اندیشه‌های توحیدی و برای تحقق آرمان‌های بشری استفاده می‌شود.

۸- مشارکت عمومی از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی است. به گونه ای که مشارکت عمومی اقشار مختلف جوامع اسلامی، در شکل‌گیری سامانه نظام سیاسی و اداره آن امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و اساساً بدون مشارکت عمومی، امکان توسعه، رشد و تعالی یک کشور امکان‌پذیر نیست.

۹- تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه اسلامی، اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم، جلوگیری از تسلط گروه‌های ذی نفوذ، رقابت سیاسی سالم، فقر زدایی، رسانه‌های جمعی و زمینه‌سازی آن‌ها، از جمله راهکارها و عواملی است که در نظام اسلامی منجر به تقویت و افزایش مشارکت عمومی می‌شود.

۱۰- از جمله آثار و پیامدهای مشارکت عمومی در نظام مردم‌سالار دینی: کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی، تقویت روحیه تعاون و همکاری، دشمن‌ستیزی و دشمن‌زدایی، آبادانی و امنیت اجتماعی، استقلال و عزت اسلامی رامی‌توان برشمرد. و به تعبیر قرآن، حداقل نتیجه و پیامد مشارکت عمومی، حل معضلات جامعه اسلامی، استقامت و صبر و تحمل در برابر مشکلات فردی و اجتماعی، سربلندی و عزت جامعه اسلامی است.

۱۱- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مبانی دینی است، مشارکت عمومی امت اسلامی به عنوان یک اصل اساسی و زیربنایی مورد توجه قرار گرفته و بر پیشگیری از اختلاف و تفرقه میان مذاهب تأکید شده است.

۱۲- امام خمینی (ره) به عنوان یک نظریه‌پرداز و اندیشمند و فقیه بزرگ و به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران مشارکت عمومی و ابعاد گوناگون آن را با عنایتی خاص مد نظر قرار داده و عملاً گام‌های مؤثری در راه تحقق این امر برداشتند.

۱۳- در اندیشه و سیره‌ی امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، مشارکت عمومی به عنوان یک مسئله‌ی اصلی، اساسی و تعیین‌کننده در حوزه‌ی تعیین سرنوشت مشترک و عمومی در نظام اسلامی مورد توجه و عنایت کامل قرار گرفته است.

۱۴- امام خمینی (ره) ریشه و منشأ نزاع‌ها و درگیری‌ها را هوای نفس و فریب شیطان دانسته‌اند که اگر جلوی آن گرفته نشود باعث نابودی همه و ویرانی کشور می‌شود. امام خمینی (ره) در سخنان خود کلّ اقشار ملت ایران را به حفظ وحدت و پیوستگی دعوت نموده‌اند.

۱۵- حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مواردی مانند: توطئه دشمنان، تشویش اذهان ملت، هواهای نفسانی، اظهارات نسنجیده برخی نخبگان و گروه گرایی رابه عنوان موانع مشارکت عمومی در نظام اسلامی برمی شمردند.

۱۶- حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مشارکت عمومی در جوامع اسلامی را در تمامی مراحل شکل گیری و سیر تحول نظام اسلامی و همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... امری بسیار مهم و حیاتی محسوب نموده و از عوامل موفقیت نظام اسلامی معرفی می نمایند.

۱۷- امام خمینی (ره)، مشارکت عمومی مردم را در جهت کارآمد ساختن حکومت اسلامی یا عملکرد مطلوب آن مهم می دانند. مشارکت در نگاه امام خمینی (ره)، هم حق است و هم تکلیف و مسئولیت. در حالی که از منظر دموکراسی غربی، موضوع مشارکت بسیار جدی تر از خود مشارکت کنندگان است. یعنی گزینش رهبران سیاسی، حل مسائل حاکمیت و تکوین سیاست های عمومی موضوعیت بیشتری نسبت به مردمی که قرار است حاکم باشند، دارد.

۱۸- غرب اندیشان سیاسی، در جوامع مسلمان این شبهه و ایراد را به اندیشه اسلامی وارد می کنند که حوزه تفکر در دین الهی نمی تواند از مرز حق و تکلیف و بایدها و نبایدها فراتر رود و با شگردهای مختلف سعی در حاشیه سازی اندیشه های اسلامی می نمایند. اما همه این ایرادها با بررسی متون دینی و توجه به آیین اسلام قابلیت پاسخ گویی دارد. در مقابل از منظر امام خمینی (ره)، تنها دین جامع اسلام می تواند تمامی شکاف ها، اختلافات و گسست ها در جوامع اسلامی را به اتحاد و انسجام و پیوستگی مبدل کند. لذا اگر مسلمانان به این ریسمان الهی چنگ بزنند، به راحتی و آسانی باهم متحد می شوند و بر طبل تفرقه نمی کوبند. چراکه سکولاریسم قائل به این است که دین با سیاست ارتباطی ندارد و در پی بی تحرک کردن توده های جامعه و مسلمانان است. و با این عقیده به دنبال این است که مسلمانان تنها به عبادت بپردازند و از مسائل و امور اجتماعی و سیاسی غافل بمانند.

۱۹- از منظر اندیشه های سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره) و آموزه های دینی، مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام و مشارکت جمعی وسیله ای است برای رسیدن به اهداف و آرمان های وحیانی، در حالی که در غرب این وسیله ضد اندیشه های توحیدی و برای تحقق آرمان های بشری استفاده می شود.

۲۰- در مقایسه نقش قدرت اجتماعی و مشارکت عمومی در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران با انقلاب های مانند انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب روسیه، به جرأت می توان گفت، در فرانسه و روسیه میزان مشارکت مردمی در براندازی رژیم های مستبد حاکم بسیار اندک بود. اما در انقلاب اسلامی ایران، به استثنای اقلیتی محدود و بخش اعظم ارتش که وابسته به شاه بودند، همه اقشار مردم از همه طبقات و گروه های اجتماعی در سراسر کشور با لبیک

به ندای بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، در مقابل رژیم تاندان مسلح شاه بادست خالی ایستادن و آن را ساقط کردند.

۲۱- مطالعات بعدی نیز نشان داد که بعد از پیروزی انقلاب های فرانسه و روسیه که زنجیرهای استبداد و دیکتاتوری گسسته شده بود زمینه مناسب برای آگاهی سیاسی و مشارکت توده های مردم فراهم شده بود، به تدریج به علت بی میلی به حاکمیت های بعد از انقلاب، این مشارکت روبه کاهش نهاد. اما توده های ملت مسلمان ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بابت بهره مندی از رهبری های پیامبرگونه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در تمامی مراحل و عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع از تجاوزات دشمنان و... با مشارکتی حداکثری، حضور، بیداری و حمایت خویش از انقلاب اسلامی رابه منصه ظهور گذاشتند. و در این مسیر مقدس از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده و با تقدیم هزارن شهید تعهد استوار خود رابه آرمانها و اهداف ارزشهای مقدس انقلاب اسلامی به جهانیان نشان دادند.

## ۲-۵- پیشنهادها

نکته مهم، در بررسی اندیشه های حضرت امام خمینی (ره)، ارتباط، انسجام و روح حاکم بر اندیشه های ایشان است، که به عنوان یک اصل محوری همواره باید مورد توجه اندیشمندان و محققین قرار گیرد. در پایان، برای عموم کسانی که علاقمند به شناخت بیشتر اندیشه ها و افکار حضرت امام خمینی (ره)، هستند. موضوعات ذیل به عنوان ادامه این کار پژوهشی، پیشنهاد می گردد:

۱- مقایسه مبانی مشارکت عمومی در اندیشه غرب و اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره).

۲- بررسی تأثیر مشارکت عمومی برونفاق اجتماعی و وحدت جوامع اسلامی از منظر امام خمینی (ره).

۳- مقایسه دیدگاههای متفکرین اسلامی و امام خمینی (ره)، درباره نقش مشارکت عمومی در توسعه جوامع اسلامی.

۴- بررسی نقش مشارکت عمومی در تبدیل امت اسلامی به بزرگ ترین قدرت سیاسی جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (ه).

## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

- ۱- آزادارامکی، ن، ۱۳۷۶. مشارکت و توسعه اقتصادی، اجتماعی. مجله فرهنگ و توسعه. سال دوم. ۱۰: ۵۱-۱۵.
- ۲- آقابخشی، ع، ۱۳۸۳. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: انتشارات حکیم، ۴۵۲ صفحه.
- ۳- آقابخشی، ع، افشاری راد، م، ۱۳۸۶. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار، ۸۵۰ صفحه.
- ۴- آگاهی، ع، ۱۳۷۰. حاکمیت. تهران: انتشارات. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۲۰۵ صفحه.
- ۵- ابن ابی الحدید معتزلی، ع، ۱۳۷۶. شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات کتابخانه آیت... مرعشی نجفی، ۲۲۶ صفحه.
- ۶- ابن هشام، ع، ۱۳۷۸. سیره ابن هشام (سیره النبی). تهران: انتشارات خوارزمی، ۶۵۰ صفحه.
- ۷- اسلامی، س، ۱۳۸۰. حکومت دینی و حق انتقاد. تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۰۰ صفحه.
- ۸- اسماعیلی، م، ۱۳۸۴. مشارکت عمومی، حاکمیت ملی و نظارت همگانی در فقه سیاسی و حقوق اساسی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۹۶ صفحه.
- ۹- انصاری، ح، ۱۳۸۶. فصلنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی حضور. شماره ۶۳. زمستان ۸۶. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۶۳: ۱۵۶-۱۳۵.
- ۱۰- بابایی، م، ۱۳۷۶. تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی ایران در گذر به جامعه صنعتی. تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصادی، ۲۴۸ صفحه.
- ۱۱- باقی نصرآبادی، ع، زمستان ۱۳۸۴. همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی، عوامل تقویت، تهدیدها و راهکارها. مجله حصون، ۶: ۱۸۷-۱۶۵.
- ۱۲- بشیریه، ح، ۱۳۷۴. درسهای دموکراسی برای همه. تهران: مؤسسه نگاه معاصر، ۲۲۳ صفحه.
- ۱۳- بشیریه، ح، ۱۳۷۸. جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران. تهران: نشر علوم نوین، ۱۴۴ صفحه.
- ۱۴- پاینده، ا، ۱۳۷۷. نهج الفصاحه. تهران: انتشارات جاویدان. چاپ سوم، ۹۱۲ صفحه.
- ۱۵- پویان، ح، ۱۳۶۷. فرهنگ جامعه شناسی. تهران: انتشارات چاپخش، ۴۸۵ صفحه.
- ۱۶- تاج مزینانی، ع، ۱۳۸۲. مشارکت سیاسی جوانان، ابعاد و پویایی ها. فصلنامه مطالعات جوانان. ۱: ۱۲۵-۱۲۵.
- ۱۷- جارااللهی، ع، محسنی، م، ۱۳۸۲. مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات آرون، ۱۶۸ صفحه.
- ۱۸- جعفری، س، ۱۳۸۲. جامعه مدنی در قرآن و نهج البلاغه. قم: دفتر نشر معارف، ۲۲۴ صفحه.
- ۱۹- جمشیدی، م، ۱۳۸۴. اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۲۳۶ صفحه.
- ۲۰- جوان آراسته، ح، ۱۳۸۷. حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام. قم: دفتر نشر معارف، ۲۳۴ صفحه.
- ۲۱- جوادی آملی، ع، ۱۳۸۷. نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم). قم: مرکز نشر اسراء، ۳۰۸ صفحه.
- ۲۲- چلبی، م، ۱۳۷۵. جامعه شناسی نظم. تهران: انتشارات نی، ۳۶۲ صفحه.

- ۲۳- حرّ عاملی، م، ۱۳۸۷. وسائل الشّیعه. ترجمه م ضمیری. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۲۰ جلد.
- ۲۴- دانشمندی، ع، ۱۳۷۷. نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوّم. سازمان برنامه و بودجه. ۳: ۱۷۰-۱۷۰.
- ۲۵- درخشه، ج، ۱۳۸۷. گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۳۷۴ صفحه.
- ۲۶- دهخدا، ع، ۱۳۸۵. لغت نامه، فرهنگ متوسط دهخدا. جلد ۲. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۶۰۴ صفحه.
- ۲۷- رسایی، ح، ۱۳۸۷. امام، مشارکت مردمی و انتخاب اصلح. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۶۷ صفحه.
- ۲۸- رضایی، ع، ۱۳۷۵. مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف. تهران: فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی. سال یازدهم، ۲: ۵۴-۵۴.
- ۲۹- ساروخانی، ب، ۱۳۷۰. دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان، ۵۴۰ صفحه.
- ۳۰- سجّادی، س، ۱۳۸۲. مبانی تخریب در اندیشه سیاسی اسلام. قم: انتشارات بوستان کتاب، ۲۵۲ صفحه.
- ۳۱- سعیدی، م، ۱۳۸۲. درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیردولتی. تهران: انتشارات سمت، ۲۲۸ صفحه.
- ۳۲- شهبازی، م، ۱۳۸۰. تقدیر مردم سالاری ایرانی. تهران: انتشارات روزنه، ۳۴۸ صفحه.
- ۳۳- طباطبایی، س، ۱۴۰۳. تفسیر المیزان (۲۰ جلدی). بیروت: مؤسسه علمی مطبوعات، ۸۰۰۰ صفحه.
- ۳۴- طباطبایی مؤتمنی، م، ۱۳۷۰. آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۹۶ صفحه.
- ۳۵- طوسی، خ، ۱۳۷۰. کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد. ترجمه و شرح ا شعرانی. تهران: انتشارات اسلامی، ۵۷۴ صفحه.
- ۳۶- علیزاده، ح، ۱۳۷۷. فرهنگ خاص علوم سیاسی. تهران: نشر روزنه، ۳۰۰ صفحه.
- ۳۷- عمیدزنجانی، ع، ۱۳۷۷. ابعاد فقهی مشارکت. تهران: انتشارات سفیر، ۲۰۸ صفحه.
- ۳۸- غفّاری غ، نیازی م، ۱۳۸۶. جامعه شناسی مشارکت. تهران: انتشارات نزدیک، ۲۹۶ صفحه.
- ۳۹- غفّاری غ. ۱۳۸۰. تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۴۰- فولادی، م، ۱۳۸۴، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، آثار و پیامدها، فصلنامه معرفت، سال چهاردهم، ش ۹۰: ۹۵-۸۸.
- ۴۱- فولادیان م، رضانی فرخدا، ۱۳۸۷. نظریه ها و پارادایم های مشارکت در جامعه شناسی. مشهد: نشر سخن گستر، ۲۰۰ صفحه.
- ۴۲- فیرحی، د، ۱۳۷۷. مفهوم مشارکت سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی. شماره اول. ۳۵: ۳۴-۳۴.
- ۴۳- فیرحی، د، ۱۳۷۸. مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه. جلد ۳. تهران: انتشارات همشهری، ۹۸ صفحه.
- ۴۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات آگاه، ۱۷۷ اصل.

- ۴۵- قدیمی، س، ۱۳۷۸. مبانی فقهی و کلامی تحزب. تهران: انتشارات همشهری، ۱۰۹ صفحه.
- ۴۶- قمی، ش، ۱۳۷۴. سفینه البحار. تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، ۶۷۲ صفحه.
- ۴۷- کریمی، س، ۱۳۸۲. رسانه ها و راههای تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی. تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۲۲۸ صفحه.
- ۴۸- مجلسی، م، ۱۳۷۸. بحار الانوار. ترجمه ع عطاردی قوچانی. تهران: انتشارات عطارد، ۴۲۶ صفحه.
- ۴۹- محسنی تبریزی، م، ۱۳۷۵. بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. تهران: مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱: ۳۴-۳۴.
- ۵۰- محمدی، م، ۱۳۸۸. انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها. قم: دفتر نشر معارف، ۲۷۲ صفحه.
- ۵۱- مرتضوی، س، ۱۳۸۸. جایگاه شورا در نظام مردمسالاری دینی. جلد اول. قم: دفتر نشر معارف، ۳۲۸ صفحه.
- ۵۲- مشکور، م، ۱۳۶۸. سیر کلام در فرق اسلام. تهران: انتشارات شرق، ۵۷۸ صفحه.
- ۵۳- مصباح، م، ۱۳۷۶. حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۳۱۹ صفحه.
- ۵۴- مصفا، ن، ۱۳۷۵. مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۷۳ صفحه.
- ۵۵- معرفت، م، ۱۳۷۶. ولایت، فقاقت، مشورت. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۲۴۳ صفحه.
- ۵۶- معین، م، ۱۳۸۸. فرهنگ فارسی دکتر محمد معین. جلد ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۲۳۲ صفحه.
- ۵۷- مقیمی، غ، ۱۳۸۸. جایگاه حق رأی در مردمسالاری دینی. قم: دفتر نشر معارف، ۱۰۴ صفحه.
- ۵۸- مکارم شیرازی، ن، ۱۳۷۷. پیام قرآن. جلد ۱۰. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۹۰ صفحه.
- ۵۹- ملکوتیان، م، ۱۳۸۰. سیری در نظریه های انقلاب. تهران: نشر قومس. چاپ سوم، ۱۷۶ صفحه.
- ۶۰- ملکوتی، ب، ۱۳۵۱. آشنایی با علم سیاست. جلد ۱. تهران: انتشارات کتابهای سیمرغ، ۵۱۲ صفحه.
- ۶۱- موثقی، س، ۱۳۷۶. اندیشه و استراتژی وحدت در شبه قاره هند و ایران. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۳۴۸ صفحه.
- ۶۲- موثقی، س، ۱۳۷۹. وفاق اجتماعی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علوم سیاسی. سال سوم. ۱۰: ۳۱۲-۳۱۲.
- ۶۳- ناصح علوان، ع، ۱۳۷۳. همکاریهای اجتماعی در اسلام. ترجمه م سعیدی. تهران: نشر احسان، ۲۱۸ صفحه.
- ۶۴- نصیری، م، ۱۳۷۹. مفهوم امنیت ملی. فصلنامه خاور میانه. ۲۸: ۶۷-۶۳.
- ۶۵- نوروزی، م، ۱۳۷۹. نظام سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۲۴۰ صفحه.
- ۶۶- نیازی، م، ۱۳۸۱. تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرکاشان. پایان نامه دکتری. دانشکده جامعه شناسی دانشگاه اصفهان.
- ۶۷- ورکیانی، م، ۱۳۸۸. مردم سالاری در متون دینی و قانون اساسی. جلد ۳. قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸ صفحه.
- ۶۸- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۵۶. حکومت اسلامی (ولایت فقیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۹۰ صفحه.



- ۶۹- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۶۱. صحیفه نور. ۲۱جلدی. تهران : سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷۰- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۷۲. کلمات قصار، پندها و حکمت ها. تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۳۱ صفحه.
- ۷۱- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۷۴. تبیان (مجموعه آثار موضوعی امام). تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۴۸ دفتر.
- ۷۲- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۸۷. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره). تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۳۵ صفحه.
- ۷۳- موسوی خمینی (امام)، س، ۱۳۸۷. صحیفه امام. چاپ اول. تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۲جلدی.

## Abstract

Public participation is a very important place in the social and sociological studies have And religious democracy, the most important factor is the efficiency and consolidate the Muslim community. It place thinking and political thought in Islam has enjoyed a privileged, Hand the Koran and the life in which intellectual, social and political household (PBUH), As a key factor in achieving the vision and preserve the ideals of traditional Islamic And avoid disunity in the Muslim Ummah is introduced. Therefore, public participation in social and political thought of Imam Khomeini (RA), And the constitution of the Islamic Republic of Iran as a crucial issue in achieving and maintaining the supremacy of Muslims in Islam And the unity of Muslims with special consideration has been taken into consideration. What Imam Khomeini (RA) from the start of the political campaign And in the formation of both the Islamic movement after the Islamic Revolution, Manage all aspects of the Islamic Republic of Iran to the unique role of public participation And the backing of the people in all areas emphasize the importance it attaches to the And in many statements and interviews and his writings on the subject have insisted. Given their importance and role of public participation, The neutralization of threats to regional and international enemies and their plots against the Islamic community, Religious duty of Muslims to observe Islamic solidarity and public participation is considered And even fulfill Iran's sacred system of the Islamic Republic, As good governance and proper Sure the integrity of public participation would know. Therefore, Imam Khomeini, divisive at all levels, from the most important problems in the world of Islam. Their division between the Islamic state is an important factor in the chaos in the Muslim world. Imam Khomeini (RA), public participation in the political system of Islam, exclusive to the group, class, or the class is not certain, Does not consider gender and ethnicity Religion and attitude, not to humans; Instead of them, all classes of people and Muslim communities the right to participate in all aspects of their social and political will In the face of such right, it shall be. Imam Khomeini (RA), in other words, the three key factors that contributed to the success of the revolution and overcome evil, Public participation is considered one of the next to put faith in God and unity. Point of view of Imam Khomeini, the Islamic system of divine And enjoys popularity. And the popularity of the classes of public participation Social and political classes in all aspects of the Muslim community.

**Keywords:** Imam Khomeini, public participation , the Islamic community, popularity



**Islamic Azad University  
Yazd Branch**

Faculty of Human-Science Department of Science Education  
M.A. Thesis  
on Recognition of Thoughts of Imam Khomeini <sup>(RH)</sup>

**The Investigation of Public Contribution Role in Social and Political  
System of Islam from Imam Khomeini's Perspective**

Thesis Advisor:  
**Seyyed hamid Shamerizi (Ph.D.)**

Consulting Advisor:  
**Abolghasem Assi Mozneb (Ph.D.)**

By:  
**Reza Hemmati**

Summer 2014